

## روایت انسجام ملی ایرانی‌ها از دل تاریخ بختیاری‌ها کنار آذربایجانی‌ها در چالدران

طرح نو؛ سردبیر

جنگ چالدران، در تاریخ ایران، تنها یک نبرد نظامی نیست؛ رویدادی است که در آن پس از قرن‌ها فروپاشی ساختارهای حکومتی، یک دولت ملی ایرانی به نام صفوی، با همه توان نوپای خود در برابر امپراتوری عظیم عثمانی که یکی از مجهزترین قدرت‌های نظامی عصر خود بود، ایستاد. چالدران، میدان برخورد دو جهان‌بینی سیاسی و مذهبی بود، اما فراتر از همه، صحنه نمایش ریشه‌داری ملت ایران در قالب انسجام ملی و نقش‌آفرینی اقوام مختلف این سرزمین در پاسداری از وطن بود.

در میان قومیت‌هایی که در این جنگ تاریخی حضور داشتند، لره‌ای بختیاری جایگاهی ویژه دارند. روایت‌های مکتوب و شفاهی متعددی در مناطق بختیاری‌نشین وجود دارد که از مشارکت طایفه‌های جنگاور این قوم در یاری شاه اسماعیل سخن می‌گویند. روایت زیر، که یکی از بختیاری‌ها آن را از پدر ۹۰ ساله‌اش نقل می‌کند، تنها یک داستان خانوادگی نیست؛ بلکه نمونه‌ای زنده از پیوند عمیق حافظه تاریخی....

# طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

شهردار تبریز خبر داد:

مسیر گشایی ملازینال  
حتی در شرایط جنگی  
نباید تعطیل شود

در صفحه ۸



دوشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۵ سال بیستم ۳۵۱۸ قیمت ۵۰۰۰ تومان

## نگاهی به چالش‌های جنگ مدرن

سناتور آمریکایی: به شکل شرم‌آوری در  
جنگ با ایران شکست خوردیم

طرح نو؛ سردبیر

در سال‌های اخیر، تحولاتی عمیق در ماهیت جنگ‌های مدرن رخ داده است؛ تحولاتی که نشان می‌دهند دستیابی به موفقیت نظامی، تنها با اتکا به عملیات تاکتیکی امکان‌پذیر نیست. بسیاری از تحلیل‌گران نظامی معتقدند که شکاف میان تاکتیک و استراتژی، مهم‌ترین عامل ناکامی ارتش‌ها در تحقق اهداف اعلام‌شده است. وقتی اهداف در سطح عملیات تعیین می‌شوند، اما در چارچوب یک راهبرد کلان قرار نمی‌گیرند، نتیجه اغلب چیزی جز فرسایش منابع، طولانی شدن جنگ و دست‌نیافتن به اهداف نیست.

کریس مورفی، سناتور آمریکایی با مینا قرار دادن سخنان وزیر امور خارجه آمریکا تحلیلی واقع بینانه از تفاوت استراتژی و تاکتیک در جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران اراده داده است. او می‌گوید: «وزیر خارجه آمریکا گفته اهداف ما در جنگ با ایران شامل موارد زیر است: ۱- نابودی کامل نیروی هوایی ایران ۲- نابودی کامل نیروی دریایی ایران ۳- تضعیف توان پرتاب موشکی ایران و ۴- نابودی کارخانه‌های نظامی ایران. اما مشکل اینجاست که این‌ها همگی اهداف تاکتیکی هستند، نه استراتژی؛ چرا که اصلاً استراتژی وجود ندارد. اجازه دهید براساس آنچه در جلسات توجیهی آموخته‌ام، این اهداف ۱ تا ۴ را توضیح دهم تا مشخص شود چرا ما داریم به شکلی بد و شرم‌آور در این جنگ شکست می‌خوریم.

هدف اول رویو که نابودکردن نیروی هوایی ایران است. قدرت هوایی ابزاری است که یک کشور با آن قدرت خود را به خارج از مرزها دیکته می‌کند و از حریم هوایی خود محافظت می‌نماید. اما پهپادها درحال جایگزینی هواپیماها هستند....



## تکامل پروژه‌ی استقلال ایران و تولد گفتمان مقاومت

از عباسی میرزا تا امام شهید

در صفحه ۲

## ایران استاد بلامنازع «جنگ فرسایشی»

فرستی که همه برای آن سر و دست می‌شکنند  
بحث کناره‌گیری ایران از  
جام جهانی را تمام کنید

# دروغ‌های ترامپ

**باطل**

**کار هوش مصنوعی**  
تصاویر حملات ایران به پایگاه‌های  
آمریکایی یا هوش مصنوعی درست  
شده است.

**باطل**

**توان نظامی**  
۱۰۰ درصد توان نظامی  
ایران را نابود کرده‌ایم.

**باطل**

**تهدید زیرساخت**  
اگر ایران تا ۴۸ ساعت تنگه هرمز را  
کامل باز نکند، حمله به نیروگاه‌های  
برق ایران را آغاز خواهیم کرد.

**باطل**

**موشک تاماهاک**  
ایران خودش با موشک تاماهاک مدرسه  
می‌تاب را هدف قرار داده است.

**باطل**

**کسی نمانده**  
کسی در ایران برای مذاکره  
باقی نمانده است.

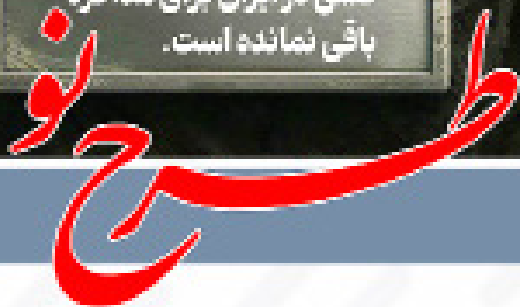
**باطل**

**رد آتش بس**  
من آتش بس نمی‌خواهم.

**باطل**

**تسلیم بدون قید و شرط**  
هیچ نوافقی با ایران وجود نخواهد داشت  
مگر تسلیم بی‌قید و شرط.

TRUMP'S LIES DURING THE WAR WITH IRAN



## تکامل پروژه‌ی استقلال ایران

## و تولد گفتمان مقاومت

## از عباس میرزا تا امام شهید

طرح نو؛ سردبیر  
پروژه ایران در دو سده اخیر را می‌توان مسیری تدریجی از وابستگی و شکست‌های تاریخی تا استقلال و اقتدار ملی دانست؛ مسیری که از دغدغه‌های عباس‌میرزا برای نجات خاک وطن آغاز شد و با اندیشه و شهادت امام شهید، در قالب گفتمان مقاومت به بلوغ رسید. اگر بخواهیم این روند را در بستر تاریخی خود تحلیل کنیم، باید به این نکته توجه کنیم که سرنوشت ایران در ۵۰۰ سال گذشته، مجموعه‌ای از تلاش‌های پیوسته برای بازیابی قدرت از دست‌رفته بوده است؛ که به شکست در مواقعی، گاه استقامت، و نهایتاً ظهور یک روح تازه در قامت انقلاب اسلامی منجر شده است!

## ایران؛ سرزمینی در آزمون شکست‌ها و تولد دوباره‌ها

از دوره شکوه صفویه تا افول قاجار و در ادامه حکومت پهلوی‌ها که با اراده غرب در ایران در راس کار قرار گرفته بودند، ایران بارها در برابر تهاجم خارجی زخم خورد و بخش‌هایی از پیکره‌ی آن جدا شد. این زوال تدریجی، نه تنها سرزمین، بلکه «اعتماد به نفس تاریخی» ملت ایران را تحت تأثیر قرار داد. از جنگ‌های روسیه علیه ایران که به قراردادهای ننگین ترکمانچای و گلستان منجر شد تا کودتای مصدق و اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، هر مرحله یادآور یک الگوی تکرارشونده‌ای چون ضعف قدرت ملی، نفوذ بیگانگان و ازهم‌گسیختگی اراده جمعی بود.

از سال ۱۹۱۲ هجری تا پایان دوره‌ی پهلوی دوم، بخش‌هایی از ایران شامل قفقاز، هرات، افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان، پاکستان، آارات و بحرین از قلمرو ملی جدا افتادند. افزون بر این، در دو جنگ جهانی، ایران با وجود اعلام بی‌طرفی، اشغال شد. این کشور بزرگ، در طول قرن‌ها همواره «جای مصالحه قدرت‌های جهانی» بود؛ خاکش بهای معامله میان امپراتوری‌ها، و مردمش قربانی رقابت‌های تکنولوژیک و ژئوپلیتیکی شدند. اما هیچ ملتی تا ابد در تکرار شکست باقی نمی‌ماند. ایران نیز از دل این زخم‌ها، در پی بازسازی ایده‌ای نوین از وجود خویش بود؛ پروژه‌ای که بعدها در دو مرحله تاریخی تعریف شد:

۱. مرحله نوسازی نظامی و فکری با عباس میرزا  
۲. مرحله بازسازی معنوی و فرهنگی در انقلاب اسلامی و شهادت امام شهید.

## عباس میرزا؛

## نخستین معمار پروژه استقلال مدرن

ولیعهد قاجار، عباس میرزا، در میانه ویرانی سیاسی و نظامی ایران، نخستین کسی بود که مفهوم «اصلاح برای استقلال» را درک کرد. شکست‌های سنگین در دو جنگ ایران و روس، در عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای، ایران را نه تنها به خاک، بلکه به افسردگی ملی کشاند. عصری آغاز شد که نخبگان ایرانی، با پرسشی اساسی رویه‌رو شدند که چرا شکست خوردیم؟

و پاسخ البته روشن بود! چون بیگانگان دارای سلاح، دانش نظامی و آموزش نوین‌اند، و ما فاقد آن‌ها هستیم. از این‌رو، عباس میرزا شروع به اعزام دانشجویان نظامی به خارج کرد، مدرسه‌ی نظام تأسیس نمود و نطفه‌ی تفکر فنی-نظامی را در ایران پروراند؛ همان اندیشه‌ای که امیرکبیر بعدها آن را ادامه داد. اما این اصلاحات، به دلیل نبود استمرار، به نتیجه نرسید. هر بار که ملت به آستانه‌ی استقلال نزدیک شد، کودتا، ترور یا فشار بیگانه، حرکت را متوقف کرد.

در دوره‌های بعدی، ضعف قدرت ملی و وابستگی به بیرون، چنان ریشه‌دار شد که حتی بی‌طرفی ایران در جنگ‌های جهانی نیز نتوانست از اشغالش جلوگیری کند. منابع نفتی، موقعیت ژئوپلیتیکی، و بعدها تأسیس رژیم صهیونیستی، ایران را در مرکز طمع جهانی نگاه داشت.

در این بازی تاریخی، استقلال همیشه یک پروژه‌ی ناتمام بود و هر تلاشی برای احیای آن، با دخالت خارجی و سقوط داخلی روبه‌رو می‌شد. اما بذر تفکر «ضرورت قدرت ملی برای استقلال»، که عباس میرزا کاشت، هیچ‌گاه از میان نرفت. آن بذر، سرانجام در انقلاب اسلامی به درختی تناور تبدیل شد.

## انقلاب اسلامی؛ بازتعریف قدرت در چارچوب گفتمان مقاومت

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، نتیجه طبیعی قرن‌ها تلاش برای استقلال بود، اما با یک تفاوت بنیادین؛ و آن این که این‌بار قدرت ملی نه بر پایه تقلید از تکنولوژی غربی، بلکه بر محور ایمان، شهادت و مسئولیت اجتماعی بنا شد.

## نگاهی به چالش‌های جنگ مدرن

## سناتور آمریکایی: به شکل شرم‌آوری در جنگ با ایران شکست خوردیم



زمان جنگ را افزایش می‌دهد.

## ظرفیت صنعتی و بازسازی نظامی

چشم‌انداز صنعت دفاعی نیز طی سال‌های اخیر تغییر کرده است. پیش‌تر تصور می‌شد که حمله به مراکز صنعتی اصلی، توان یک کشور را برای بازسازی قدرت نظامی‌اش به‌طور کامل متوقف می‌کند. اما امروز کارخانه‌ها و خطوط تولید، از نظر جغرافیایی پراکنده‌تر شده‌اند، بخش‌های خصوصی نقش بیشتری پیدا کرده‌اند، و زنجیره تأمین جهانی به گونه‌ای عمل می‌کند که حتی پس از آسیب دیدن برخی مراکز، امکان بازیابی ظرفیت در مدت کوتاه وجود دارد.

واقعیت این است که صنعت نظامی مدرن به شبکه‌ای وسیع از تأمین‌کنندگان، فناوری‌ها و همکاری‌های بین‌بخشی متکی است. بنابراین نابود کردن چند کارخانه بزرگ - حتی اگر از نظر تاکتیکی مهم باشد - نمی‌تواند بازسازی توان نظامی را به‌طور پایدار متوقف کند؛ مگر آنکه در دل یک استراتژی جامع قرار گیرد که عوامل سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیک و لجستیکی را نیز پوشش دهد.

## فقدان استراتژی؛

## پاشنه آشیل همه عملیات‌های مدرن

تحلیلگران نظامی بارها بر یک حقیقت مشترک یعنی «تاکتیک بدون استراتژی، دیر یا زود به ناکامی می‌انجامد»، تأکید کرده‌اند. عملیات‌ها می‌توانند از نظر فنی موفق باشند؛ مثلاً نابودی یک پایگاه، یک ناو یا یک خط تولید، اما اگر این موفقیت در مسیر یک راهبرد واحد و هماهنگ قرار نگیرد، تأثیر آن موقتی خواهد بود.

در جنگ‌های امروزی، اهداف تاکتیکی مانند روابط منطقه‌ای، زنجیره تأمین، توان بازسازی، پیوست رسانه‌ای، شرایط اقتصادی، و ظرفیت انسانی باید در تعامل با مؤلفه‌های دیگر تعریف شوند. شکست در درک این پیوستگی، به ناهماهنگی در تصمیم‌گیری منجر می‌شود و در نهایت، عملیاتی که ظاهراً موفق بوده، به نتیجه راهبردی پایدار تبدیل نمی‌شود.

به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان معتقدند که «شکست تاکتیکی» معمولاً از «ضعف استراتژیک» سرچشمه می‌گیرد. هنگامی که چارچوب کلان مشخص نباشد، تصمیم‌گیری شتاب‌زده، هدف‌گذاری ناهماهنگ و تحلیل نادرست از محیط نبرد اجتناب‌ناپذیر می‌شود. در پایان دوباره تأکید دارم که تحولات امروز نشان می‌دهد که قدرت نظامی دیگر به معنای داشتن تجهیزات بیشتر نیست. موفقیت به توانایی در هماهنگ ساختن تاکتیک‌ها در چارچوب یک استراتژی جامع بستگی دارد. قدرت هوایی منکی بر پهپادها، شناورهای کوچک دریایی، سامانه‌های موشکی پراکنده، و صنایع دفاعی شبکه‌ای که ایران عزیزمان دارد، همگی نشان می‌دهند که عصر جدیدی آغاز شده است؛ عصری که در آن، هیچ هدف تاکتیکی به‌تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد. به بیان دیگر، پیروزی در جنگ مدرن نه در میدان نبرد، بلکه در اتاق فکر استراتژی‌نویسی رقم می‌خورد. هرگونه اقدام عملیاتی، تنها زمانی به نتیجه می‌رسد که در مسیر یک راهبرد پایدار، چندلایه و آینده‌نگر قرار گیرد.

طرح نو؛ سردبیر  
در سال‌های اخیر، تحولاتی عمیق در ماهیت جنگ‌های مدرن رخ داده است؛ تحولاتی که نشان می‌دهند دستیابی به موفقیت نظامی، تنها با اتکا به عملیات تاکتیکی امکان‌پذیر نیست. بسیاری از تحلیل‌گران نظامی معتقدند که شکاف میان تاکتیک و استراتژی، مهم‌ترین عامل ناکامی ارتش‌ها در تحقق اهداف اعلام‌شده است. وقتی اهداف در سطح عملیات تعیین می‌شوند، اما در چارچوب یک راهبرد کلان قرار نمی‌گیرند، نتیجه اغلب چیزی جز فرسایش منابع، طولانی شدن جنگ و دست‌نیافتن به اهداف نیست.

کریس مورفی، سناتور آمریکایی با مبنا قرار دادن سخنان وزیر امور خارجه آمریکا تحلیلی واقع بینانه از تفاوت استراتژی و تاکتیک در جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران اراده داده است.

او می‌گوید: «وزیر خارجه آمریکا گفته اهداف ما در جنگ با ایران شامل موارد زیر است: ۱- نابودی کامل نیروی هوایی ایران ۲- نابودی کامل نیروی دریایی ایران ۳- تضعیف توان پرتاب موشکی ایران و ۴- نابودی کارخانه‌های نظامی ایران. اما مشکل اینجاست که این‌ها همگی اهداف تاکتیکی هستند، نه استراتژی؛ چرا که اصلاً استراتژی وجود ندارد. اجازه دهید براساس آنچه در جلسات توجیهی آموخته‌ام، این اهداف ۱ تا ۴ را توضیح دهم تا مشخص شود چرا ما داریم به شکلی بد و شرم‌آور در این جنگ شکست می‌خوریم.

هدف اول رویو که نابودکردن نیروی هوایی ایران است. قدرت هوایی ابزاری است که یک کشور با آن قدرت خود را به خارج از مرزها دیکته می‌کند و از حریم هوایی خود محافظت می‌نماید. اما پهپادها درحال جایگزینی هواپیماها هستند و ما نمی‌توانیم تمام پهپادهای آن‌ها را نابود کنیم. حملات پهپادی آن‌ها همچنان ادامه دارد.

هدف دوم رویو نابودکردن نیروی دریایی ایران است. بسیار خوب، اما به چه منظوری؟ این «نیروی دریایی» آن‌ها نیست که تنگه هرمز را می‌پنسد؛ بلکه هزاران قایق تندرو و قایق‌های انتحاری این کار را می‌کنند. و درست مثل پهپادهایشان، ما نمی‌توانیم همه آن‌ها را نابود کنیم. تنگه هرمز، چه نیروی دریایی باشد و چه نباشد، بسته می‌ماند.

هدف سوم رویو «تضعیف» توان موشکی آن‌هاست. اولاً، این یک هدف جدید است. همین چند هفته پیش، رویو می‌گفت هدف «نابودکردن» موشک‌های ایران است. چرا تغییر موضع داد؟ چون ما در مأموریت اصلی شکست خورده‌ایم. ایران هنوز بخش اعظم موشک‌های خود را در اختیار دارد. ایران موشک‌ها و پرتابگرهای خود را پنهان کرده و جایه‌جا می‌کند. به نظر می‌رسد هیچ راهی برای پایان دادن به توانایی آن‌ها در هدف قرار دادن پایگاه‌های ما و زیرساخت‌های [آمریکایی] انرژی منطقه وجود ندارد.

هدف چهارم رویو نابودکردن کارخانه‌های نظامی بود. ایده این است که مانع از بازسازی ارتش آن‌ها شویم. اما ما حتی نمی‌توانیم ذخایر فعلی موشک و پهپاد آن‌ها را از بین ببریم! اما مشکل واقعی اینجاست که به محض اینکه بمباران‌های ما متوقف شود، روسیه و چین به هر حال به آن‌ها برای بازسازی کمک خواهند کرد. این جنگ باعث اتحاد تنگاتنگ چین و ایران خواهد شد. بعد از اینکه ترامپ از جنگ خسته شود، ایران و چین وارد معامله می‌شوند.

بخشی از این توافق می‌تواند «حق عبور» از تنگه هرمز برای چین باشد، در عوض کمک به بازسازی نیروی دریایی، هوایی و موشکی ایران. تاکتیک‌ها در غیاب استراتژی اهمیتی ندارند. تاکتیک‌های ما در قبال ایران درحال شکست‌خوردن هستند و به همین دلیل است که ایران دارد موفق می‌شود.»

در ادامه‌ی این مقاله با نگاهی غیرسیاسی و بی‌طرف، چهار حوزه مهم جنگ مدرن را بررسی خواهیم کرد: حوزه‌هایی که امروز نشان می‌دهند هرگونه اقدام نظامی بدون پشتوانه استراتژیک در قدرت هوایی، عملیات دریایی، توان موشکی و ظرفیت صنعتی-نظامی، محکوم به تکرار ناکامی است.

## قدرت هوایی در عصر پهپادها؛ پایان انحصار جنگنده‌ها

برای دهه‌ها، کنترل آسمان مهم‌ترین شاخص برتری نظامی بود. هر کشوری که نیروی هوایی قدرتمندی داشت، عملاً بر صحنه نبرد تسلط

# تراکتور موافق از سرگیری لیگ برتر



طرح نو؛ گروه ورزش  
مالک باشگاه تراکتور گفت: به نظرم بازیکنان خارجی فعلاً باز نمی‌گردند اما می‌توانیم خودمان لیگ را برگزار کرده و اعلام کنیم در شرایط جنگی مسابقات را ادامه می‌دهیم.  
محمدرضا زونزی مطلق، شامگاه جمعه ۱۴ فرودین در گفت‌وگویی تلویزیونی درباره برگزاری ادامه لیگ برتر، بیان کرد: به نظرم بازیکنان خارجی فعلاً باز نمی‌گردند، اما می‌توانیم خودمان لیگ را برگزار کرده و اعلام کنیم در شرایط جنگی مسابقات را ادامه می‌دهیم تا به دنیا نشان دهیم زیر بمب و موشک ما راه خود را ادامه می‌دهیم.  
وی افزود: با وجود اینکه بیشتر بازیکن خارجی متعلق به ماست، اما بهتر است لیگ امسال برگزار شود و فعلاً به جایگاه تیم‌ها اهمیت ندهیم. تداوم لیگ به این معناست که ما ایستاده‌ایم و ایران را از نو می‌سازیم.  
او ضمن محکومیت تجاوز دشمن صهیونیستی -آمریکایی به خاک وطن، درباره جزئیات نامه خود به رییس فیفا اظهار کرد: من در آن نامه به آقای اینفانتینو نوشتم شما به کسی جایزه صلح داده‌اید که به کشور ما تجاوز کرده و مردم بی‌گناه ما را به شهادت رسانده است؛ به کسی جایزه صلح دادید که به مدرسه دخترانه در میناب حمله کرده و دختران، مردم بی‌دفاع و ورزشکاران ما را کشته و زیرساخت‌های ورزشی را از بین برده است. کسی جایزه صلح را دریافت کرده که منطقی را به آشوب کشانده است.

او ادامه داد: پس از این نامه، آقای اینفانتینو در اردوی تیم ملی ایران در آنتالیا حاضر شد. ما همچنین این نامه را به تمامی فدراسیون‌ها و باشگاه‌های مهم ارسال کردیم که بسیاری از آنها از جمله باشگاه بارسلونا پاسخ دادند و اعلام کردند که موضوع را به اطلاع ریاست باشگاه و ریاست کانون هواداران رسانده‌اند. به نظرم این اقدام، گام مهمی بود و ان‌شاءالله نتایج آن را به زودی مشاهده کنیم.  
زونزی در واکنش به حواشی اخیر گفت: یک‌سری از خائنان به کشور را دیدم که با انتشار ویدیویی، من را تجزیه‌طلب خطاب کرده و حرف‌هایی زنده که شباهت خودشان است. من در پاسخ به این افراد می‌گویم: من تجزیه‌شماها را طلبکار هستم، نه تجزیه‌شما کشور را. ما اگر بنا باشد عملی انجام دهیم، شما را تجزیه می‌کنیم. من از وطن دفاع می‌کنم؛ وقتی یک کشور بیگانه به ایران حمله کرده و هوپوطنان شما را می‌کشد و شما از آنان حمایت می‌کنید، اکنون بگویید تجزیه‌طلب واقعی کیست؟ من یا شما؟ کدام آدم عاقلی به حمله علیه کشورش چراغ سبز نشان می‌دهد؟ مگر زمان اختلاف خانوادگی، از قلدرد محله

## وضعیت لیگ برتر فوتبال امروز مشخص می‌شود



طرح نو؛ گروه ورزش  
جلسه هم‌اندیشی مدیران عامل باشگاه‌های لیگ برتری با مسئولان سازمان لیگ در خصوص شرایط برگزاری ادامه مسابقات فصل ۱۴۰۵-۱۴۰۴، یکشنبه تشکیل می‌شود. سازمان لیگ در بیانیه‌ای اعلام کرد: «تشکر از خانواده بزرگ فوتبال؛ از هیات‌های فوتبال استانی تا باشگاه‌ها و مدیران، مربیان و بازیکنان که در دفاع از میهن اسلامی در عرصه‌های مختلف نبرد با دشمن آمریکایی - صهیونی حوضوری مثبت و موثر در میدان داشتند و با برپایی موبک‌ها در میادین شهرهای مختلف در کنار دلاوران جان برکف نیروهای مسلح، مردم مقاوم همیشه در صحنه و نیروهای امدادی کشور پای کار ایران ایستادند.

سازمان لیگ فوتبال در خصوص برگزاری ادامه مسابقات، یکشنبه ۱۶ فروردین از ساعت ۱۱ جلسه هم‌اندیشی با حضور مدیران فدراسیون، سازمان لیگ و مدیران عامل باشگاه‌های لیگ برتری به صورت وینپار برگزار می‌کند.» گفتنی است، این جلسه قرار بود امروز شنبه برگزار

## کاپیتان ملی‌پوش تراکتور: برای وجب به وجب این خاک جان می‌دهیم



طرح نو؛ گروه ورزش  
کاپیتان تراکتور با اشاره به ایستادگی ورزشکاران برای دفاع از اعتبار ایران، گفت: برای وجب به وجب این خاک جان می‌دهیم.  
شجاع خلیل‌زاده اظهار داشت: علی‌رغم شرایط جنگی حاکم، ما به عنوان ورزشکاران حرفه‌ای مسئولیت‌دانشیم تا آمادگی خود را حفظ کنیم؛ از این‌رو با برنامه‌های ارسالی از سوی کادرفنی، تمرینات انفرادی منظمی را پشت سر گذاشته بودم. خوشبختانه در وقفه بازی‌های ملی (فیفا دی)، اردوی بسیار خوبی در شهر آنتالیا برگزار شد که با تمرینات دقیق و تدابیر کادرفنی، توانستیم خیلی سریع به شرایط مطلوب مسابقه بازگردیم.  
مدافع تیم ملی بیان کرد: طی این مدت دو بازی با مغرض مطرح می‌شود، دشمن وحشیانه به زیرساخت‌های ورزشی، فرهنگی، تاریخی و صنعتی حمله کرده است. همچنین حمله به مدرسه دخترانه در شهرستان میناب، مصداق بارز جنایت جنگی است.  
مدافع تیم ملی با اشاره به ضرورت بیداری نهادهای بین‌المللی ورزشی گفت: اقدام ارزشمند جناب آقای زونزی در ارسال نامه به فیفا و باشگاه‌های بزرگ دنیا بسیار ستودنی و هوشمندانه بود و وقت آن رسیده که اهالی فوتبال در سراسر جهان نسبت به این جنایات و تخریب زیرساخت‌های ورزشی ایران واکنش نشان دهند.  
خلیل‌زاده در پایان خاطرنشان کرد: به مردم شریف ایران اطمینان می‌دهم که ما بازیکنان برای دفاع از نام و اعتبار کشورمان، جانمان را هم فدا می‌کنیم. روزهای خوب حتماً باز خواهند گشت و ما بار دیگر در کنار هم از فوتبال لذت خواهیم برد.

محروم کنند. وقتی سفارت آمریکا در کشور مربوطه به اتباع خود هشدار داده که آنجا را ترک کرده و به جای امن بروند، ما هم این مدارک را به فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا ارسال کردیم. با این شرایط چگونه می‌توانیم بازیکنانمان را مجاب به بازی در آنجا کنیم؟ سه ماه پیش چرا ما را از میزبانی محروم کردند؟ مگر آن زمان جنگ بود؟  
او درباره حضور تیم ملی در جام جهانی گفت: من در نامه به آقای اینفانتینو مطرح کردم که شما به کسی جایزه صلح داده‌اید که به کشور ما حمله کرده، به مدرسه دخترانه موشک زده، دانش‌آموزان و هم‌وطنان ما را شهید کرده و مرتکب جنایات جنگی شده است. ایشان در تریبون رسمی خطاب به تیم ملی ایران گفته است که به اینجا نیاید چون امنیت ندارید؛ آقای اینفانتینو باید پاسخگوی این تناقض باشد. البته ایشان اعلام کرد که اولین الزام جام جهانی، وجود امنیت است. حضور در جام جهانی حق این تیم ملی و حق این مردم است. آقای قلعونویی و دستیارانشان نیز صمیمانه زحمت می‌کشند. ما با کمترین امکانات اردوی تیم ملی را برگزار کردیم و بازیکنان با اتوبوس به محل اردو رفتند که کار را سخت می‌کرد؛ لذا از ایشان و کادرفنی تشکر می‌کنم.

مالک باشگاه تراکتور افزود: من به عنوان سربراز وطن، مخلص مردم هستم. دست سربازانی را که از ایران دفاع می‌کنند جانانه می‌بوسم و خاک پای این عزیزان هستم. نیروهای مسلح کشور واقعاً زحمت می‌کشند و من به عنوان یک ایرانی، صمیمانه از آنان تقدیر کرده و آرزوی سلامتی‌شان را دارم. امیدوارم از این جنگ تحمیلی، سربلند بیرون بیایم. از مردمی هم که هر شب با حضور خود به کل ملت دلگرمی می‌دهند، تشکر می‌کنم؛ زبان من در برابر جان‌فشانی آنان قاصر است.

به گزارش ایستا، او درباره موضوع بازسازی برای هم‌وطنان آسیب‌دیده، خاطرنشان کرد: سریعاً گروهی را تعیین می‌کنم تا کار را شروع کنند، اما دوست ندارم این کارها زیاد رسانه‌ای شود؛ این‌ها وظیفه ماست و تبلیغ نیست. همه‌چیز من ایران است و تمام دارایی من هم در همین خاک است. باید به هم‌وطنان خارج از ایران به گونه‌ای دیگر نگاه کنیم؛ همه آنان ایرانی هستند و باید سعی کنیم جذبشان کنیم، نه دفع. البته حساب خائنان و خودفروخته‌ها جداست و تکلیفشان مشخص است.

من به برخی برنامه‌های صداوسیما انتقاد دارم؛ برنامه‌ها باید به سمت جذب تمام ایرانیان از سراسر دنیا باشند. کسانی را می‌شناسم که ۴۰ سال است به ایران نیامده‌اند، اما اکنون دل‌خواران پیش این خاک است. باید برای جذب این افراد شروعی تازه داشته باشیم.

## فرصتی که همه برای آن سر و دست می‌شکنند

# بحث کناره‌گیری ایران از جام جهانی را تمام کنید



کناره‌گیری از جام جهانی البته فقط یک تصمیم ساده نیست و تبعات جدی حقوقی و مالی دارد. بر اساس مقررات فیفا، اگر تیمی تا ۳۰ روز قبل از شروع مسابقات انصراف دهد، «حداقل» ۲۵۰ هزار فرانک سوئیس جریمه خواهد شد و

طرح نو؛ گروه ورزش  
موضوع انصراف تیم ملی از جام جهانی در فاصله کمتر از سه ماه تا این رقابت‌ها بار دیگر مطرح شده است. اظهارنظر وزیر ورزش، بار دیگر بحثی را زنده کرد که تصور می‌شد مدت‌هاست تمام شده است؛ اینکه ایران ممکن است از جام جهانی کناره‌گیری کند. صحبت‌هایی که در حالی مطرح شد که برنامه‌های آماده‌سازی تیم ملی با اردوی ایتالیا و دو دیدار دوستانه برابر نیجریه و کاستاریکا آغاز شده، اردوها و مسابقات تدارکاتی در حال برنامه‌ریزی است و در جامعه فوتبال نیز تقریباً اجماعی علیه چنین تصمیمی وجود دارد. با این حال، همین چند جمله کافی بود تا دوباره این بحث به صدر اخبار برگردد.

واقعیت این است که حضور در جام جهانی، فرصتی نیست که کشورها به‌راحتی از آن بگذرند. ده‌ها تیم در سراسر جهان سال‌ها تلاش می‌کنند تا به این مسابقات برسند و بسیاری از قدرت‌های فوتبال دنیا هم بارها از رسیدن به آن بازمانده‌اند. در چنین شرایطی، وقوع جنگ تحمیلی سبب شده تا موضوع انصراف از سوی وزیر ورزش و جوانان مطرح شود؛ آن هم در حالی که تیم ملی این سهمیه را در زمین مسابقه به دست آورده و حالا ممکن است با انصراف از جام جهانی آن را به تیمی بدهد که پر زمین مسابقه شکست خورده است.

طبیعی است که برای فیفا هم حضور تیم‌های بزرگ‌تر و پرمشاهرت‌تر نظیر ایتالیا، یک فرصت اقتصادی و رسانه‌ای مهم محسوب می‌شود و همین موضوع باعث می‌شود هر بار این بحث‌ها مطرح می‌شود، فضای رسانه‌ای به سمتی برود که انگار ممکن است جای ایران را تیم دیگری بگیرد. بخش جذاب این بحث برای رسانه‌های ایتالیایی، موضوع جایگزینی است. اگر ایران در نهایت در جام جهانی حاضر نشود، آیا ایتالیا می‌تواند بازگردد؟ پاسخ، دست‌کم در شرایط فعلی، چندان امیدوارکننده نیست. طبق بند ۶.۷ مقررات جام جهانی، فیفا اختیار کامل دارد که تیم جایگزین را انتخاب کند، بدون آنکه الزام مشخصی به رعایت معیار خاصی مانند رنکیگ داشته باشد. این یعنی استدلال‌هایی که بر اساس جایگاه ایتالیا در رده‌بندی جهانی مطرح می‌شوند، لزوماً تعیین‌کننده نخواهند بود.  
در عمل، احتمال زیادی وجود دارد که معیار جغرافیایی در این تصمیم نقش اصلی را ایفا کند. به بیان ساده‌تر، فیفا ترجیح می‌دهد تعادل سهمیه قاره‌ها حفظ شود. در چنین شرایطی، تیمی از قاره آسیا بیش از هر گزینه دیگری شانس جایگزینی خواهد داشت. در این میان، نام امارات متحده عربی بیش از سایر گزینه‌ها مطرح می‌شود. تیمی که در مسیر پلی‌آف تا دور نهایی هم پیش رفت و مغلوب عراق شد. در چنین شرایطی، ادامه دادن به این بحث‌ها عملاً بازی کردن در زمین دیگران است. تیم ملی صعود کرده، برنامه آماده‌سازی‌اش شروع شده، بازیکنان و کادرفنی در حال برنامه‌ریزی هستند و افکار عمومی فوتبال هم مخالف کناره‌گیری است. بنابراین شاید وقت آن رسیده که یک‌بار برای همیشه این پرونده بسته شود؛ چون جام جهانی جایی نیست که تیم‌ها به‌راحتی از آن کنار بکشند، بلکه جایی است که همه دنیا برای رسیدن به آن سر و دست می‌شکنند.

## خدا کند که بیایی



الا که راز خدایی خدا کند که بیایی  
 تو نور غیب نمایی خدا کند که بیایی  
 شب فراق تو جانا خدا کند که سرآید  
 سرآید وتو برآیی خدا کند که بیایی  
 دمی که بی تو برآید خدا کند که نباشد  
 ألا که هستی مایی خدا کند که بیایی  
 تو احترام حریمی تو افتخار حطیمی  
 تو یادگار منایی خدا کند که بیایی  
 تو مشعری عرفاتی تو زمزمی تو فراتی  
 تو رمز آب بقایی خدا کند که بیایی  
 به سینه ها توسروری به دیده ها همه نوری  
 به دردها تو دوی خدا کند که بیایی  
 دل مدینه شکسته حرم به راه نشسته  
 تو مروه ای تو صفایی خدا کند که بیایی  
 قسم به عصمت زهرا بیا ز غیبت کبری  
 دگر بس است جدایی خدا کند که بیایی  
 «سیدرضا مؤید»

## «ای پایه فرهنگ من، ایران من، ایران من!»



ای در تن من جان من، ایران من، ایران من!  
 ای گوهر پریشان من، ایران من، ایران من!  
 ای حرف زیبای سروش، ای گوهر کان کوروش،  
 فصل بهار داریوش، ایران من، ایران من!  
 ای گوهر اقبال من، هم‌قسمت و هم‌بال من،  
 ای سرخط اعمال من، ایران من، ایران من!  
 ای چشمه ایجاد من، آغاز من، بنیاد من،  
 ای خاطر آباد من، ایران من، ایران من!  
 ای برتر از باغ بهشت، آینه‌دار زردهشت،  
 نیکوفر و نیکو سرشت، ایران من، ایران من!  
 از دوده اشکانیم، من زاده ساسانیم،  
 پیوند با سامانیم، ایران من، ایران من!  
 ای جان جان جان من، وجدان من، ایمان من،  
 فر من و برهان من، ایران من، ایران من!  
 من کی‌قباد و رستم، پیوند با جام جم،  
 البرزم و مستحکم، ایران من، ایران من!  
 عمری اسیرخامام (یعنی قلم)، من صاحب «شهنامه» ام  
 خود نامبر، خود نامه‌ام، ایران من، ایران من!  
 ای پایه فرهنگ من، ناموس و عار و ننگ من،  
 تاج سر و اورنگ من، ایران من، ایران من!

اسماعیل ظریفی  
 شاعر تاجیک

## راما قویدل کارگردان سریال تلویزیونی «بیگانگان»:

# سریال «بیگانگان» داستانی انسانی و میهن‌پرستانه دارد



آن چیزی که بیشتر برای ما اهمیت دارد، نحوه واکنش نشان دادن شخصیت‌ها به رویدادهاست؛ فکر می‌کنم اساس شخصیت یعنی انتخاب؛ انتخاب میان دو چیز که برگزیدن هر کدام ما را به سوی کاملاً متفاوت پرتاب می‌کند؛ دیده‌ایم که شخصیت محمدرضا باید انتخاب کند؛ الهام باید انتخاب کند؛ الوند که سال‌هاست انتخاب‌اش را کرده و تکلیفش با خودش کاملاً روشن است؛ سعید از گذشته‌ای می‌آید که زمان حال‌اش آن گذشته را رنگی متفاوت می‌زند؛ ولی دیری نمی‌پاید که او نیز باید انتخاب کند؛ شاید سخت‌ترین انتخاب را و این شاید اساس درام بیگانگان باشد که بهتر است نویسنده‌ی درجه‌یک و بسیار شریف فیلم نامه در این باره بگوید تا من.

قویدل گفت: همواره کوشیده‌ام مستطیل تصویر را از احساس انباشته کنم؛ احساساتی قابل درک

### انرژی درباره انسان‌ها

وی درباره اینکه سریال بیگانگان هم صحنه‌های اکشن و جنگی دارد و هم قصه‌ای ملودرام را پیش می‌برد؛ خود شما چه فضایی را می‌خواستید در سریال تصویر کنید؟ توضیح داد: بیگانگان درباره انسان‌هاست؛ انسان‌هایی که ممکن است امروزشان با فردایشان بسیار متفاوت باشد؛ به راستی که زندگی ماهیتی این چنین دارد؛ ما با واقع در حال تجربه کردن علنی این ماهیت هستیم و اغلب بوده‌ایم؛ معمولاً در درام و داستان،

و فهم برای همه؛ طوری که مخاطب بتواند به راحتی خودش را در درام پیدا کند و موقعیت‌های شخصیت‌ها برایش ملموس و واقعی به نظر برسد؛ در کل سئوالی بسیار کلی پرسیدید که جوابی کلی در پی خواهد داشت.

قویدل درباره ساخت صحنه‌های جنگی و داعش چه چالش‌هایی برای شما داشت؟ توضیح داد: شاید بدانید که اساساً سینمای حادثه‌ای و اکشن را بسیار دوست دارم و این ژانر برایم دوچندان جذاب می‌شود اگر با مفاهیم پیچیده انسانی ترکیب شود که در بیگانگان این‌گونه بود؛ بارها گفته‌ام که با وجود این‌که اساس آدم غرغروی هستم، ولی دوست ندارم در مصاحبه‌ها نق بزنم و از سختی‌هایی بگویم که جز من به کسی مربوط نیست و به قول دوستی، موقعی که انتخاب شغل می‌کردم، می‌بایست این موارد را در نظر می‌گرفتم؛ ولی موقعیت خاصی که بیگانگان در آن ساخته شد، بسیار پیچیده بود.

این کارگردان تأکید کرد: سریال جنگی و پر از صحنه‌های تیراندازی و درگیری که در بسیاری از آن‌ها حتی اجازه شلیک یک تیر مشقی یا استفاده از یک چاشنی بدنی را هم نداشتیم؛ انفجار و مابقی داستان‌ها که خود مثنوی هزار من کاغذ است. در کل با توجه به تجربه‌های اندک‌ام در ژانر جنگ، مثل سریال‌های ایلدا و دولت مخفی، بیگانگان شرایط و موقعیتی کاملن علی حده و خاص داشت و هزاران مسئله‌ای که از ابتدای جلسه تا پایان‌اش باید حل می‌شد و همان‌طور که گفتیم ماحصل شرایط خاص و ویژه‌ای بود که سریال در آن تولید می‌شد و هیچ‌کس مقصر نبود؛ ولی در نهایت برای همه‌ی مسائل باید راه حلی پیدا می‌شد که به قول کارل پوپر زندگی سراسر حل مسئله است.

## تو پاره تنِ این سرزمینی



عشقش می‌تپد و هرگز نمی‌تواند دروازه خروج حقیقی روح ما باشد.

امروز، در بزنگاه تاریخ، بیش از هر زمان دیگری، به یاد بیاوریم که: ایران، تنها با همبستگی اراده‌ها، با وحدت قلب‌ها و با درک عمیق جایگاهمان در این خانواده بزرگ، معنا می‌یابد. هر کدام از ما، دانه‌ای هستیم

در باغ این سرزمین؛ اگر بارور شویم، باغستانِ شکوفایی خواهیم شد و اگر پژمرده شویم، اندوهِ او را افزون.

وطن، یعنی همین پیوند ناگسستنی؛ یعنی دست‌هایی که به هم گره می‌خورند تا ستونی استوار بسازند، حتی اگر بارها تیشه خورده باشیم. وطن، یعنی آن پژواکِ عمیقی که در سینه هر

ایرانی می‌پیچد و فریاد می‌زند: «تو پاره تنِ این سرزمینی... از یاد مبر ریشه‌هایت را».

ایران، ترانه‌ای است برای گوش جانِ آنان که هنوز ایمان دارند به بالندگی این خاک؛ آنان که می‌فهمند وطن، تنها با خشیتِ عشق، ملاتِ تلاش، و آهنگِ پرصلابتِ امید، بنا می‌شود و استوار می‌ماند.

ایران، با داشتن شهدای گرانقدری چون: جهان‌آرا، باکری و همت، قصه‌گرِ مقاومت و پیروزی است.

ایران... تار و پود هویت ماست.

همان نقطه که با هر نفس، او را زندگی می‌کنیم. تا ابد... تا وقتی که قلبمان می‌تپد ما تسلیم زور نخواهیم شد به امید پیروزی حق علیه باطل.

احمد احمدی  
 تهیه کننده آثاری همچون ردکارپت

## کتاب «نبرد روایت‌ها» الگویی راهبردی علیه اسرائیل منتشر شد



شبکه‌های اجتماعی می‌تواند ترسی فراگیر ایجاد کند.

از انتشار تصاویر ساختگی از نابودی شهرها گرفته تا انتشار خبرهای دروغ درباره استعفا و فرار مقامات یا کاهش شدید ذخایر ارزی، گرانی و قحطی، همه با هدف تضعیف روحیه جمعی

تلفیقی از جنگ‌های نظامی، جنگ شناختی، جنگ امنیتی، نبرد سایبری و جنگ دیپلماسی.

در دوران ما، با گسترش شبکه‌های اجتماعی، ابزارهای جنگ به شدت پیچیده تر، هدفمندتر و سریع‌تر شده‌اند. دشمن، دیگر نیازی به بلندگو و پخش شب‌نامه ندارد؛ با چند حساب کاربری در

کتاب «نبرد روایت‌ها» به عنوان الگویی راهبردی و عملیاتی جنگ روایت‌ها علیه اسرائیل به چاپ رسید.

در دوران جنگ و تهدید، کشورها هم در معرض فشارهای نظامی و اقتصادی قرار می‌گیرند و هم به شدت هدف حملات روانی هستند؛ حمله‌هایی که هدفش تسخیر دل‌ها و ذهن‌هاست، نه فقط تصرف خاک. هدف از به‌کارگیری این روش‌ها، تضعیف روحیه ملی، ایجاد حس ناتوانی، ناامیدی و اضطراب در میان مردم و در نهایت، فروپاشی انسجام درونی یک ملت است. این نوع جنگ نه با موشک و بمب، بلکه با کلمات، تصاویر، شایعه‌ها و خبرهای دروغین اداره می‌شود و اثرات آن اگر مهار نشود، می‌تواند از جنگ فیزیکی هم سخت‌تر باشد.

در عصر حاضر، نبرد با رژیم صهیونیستی فقط به جبهه‌های نظامی محدود نمی‌شود؛ بلکه یک جنگ ترکیبی روبروی جبهه مقاومت است. یعنی

## یک روانشناس:

## مهمترین نیاز کودکان در شرایط جنگی دریافت احساس امنیت از والدین است



بروز پیدا کند.

علی نژاد خاطر نشان کرد: نخستین اقدام والدین باید ایجاد فضایی آرام و مطمئن برای کودک باشد، زیرا کودکان بیش از واقعیت بیرونی، به واکنش و لحن والدین توجه می‌کنند بنابراین آرام صحبت کردن، حفظ حضور مؤثر و پرهیز از واکنش‌های ناگهانی به کاهش اضطراب آن‌ها کمک می‌کند. این روان‌شناس با تأکید بر لزوم توضیح دهی ساده و متناسب با سن کودک تصریح کرد: توضیح ندادن یا پنهان‌کاری موجب می‌شود کودک با تخیلات خود خطر را بزرگ‌تر کند لذا والدین می‌توانند در چند جمله کوتاه شرایط را توضیح دهند و استرس و اضطراب کودکان را

کاهش دهند.

این مدرس دانشگاه درباره راهکارهای کاهش استرس کودکان نیز خاطر نشان کرد: حفظ روتین‌های کوچک مانند ساعت خواب، قصه شب یا زمان بازی، استفاده از فعالیت‌های آرام‌بخش مثل نقاشی و لگو، افزایش تماس بدنی و در آغوش گرفتن کودک، و همچنین محدود کردن مشاهده اخبار از مهم‌ترین راهکارها است. علی نژاد ادامه داد: کودکان در صورتی که حمایت عاطفی کافی دریافت کنند، توان عبور از شرایط سخت را دارند بنابراین احساس تنها نبودن، مؤثرترین عامل در حفظ آرامش آن‌ها است.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

یک روانشناس گفت: مهم‌ترین نیاز کودکان در شرایط جنگی دریافت احساس امنیت از والدین است. سمانه علی نژاد با اشاره به اینکه آرامش والدین در مدیریت تنش‌های روانی کودکان در شرایط جنگی مهم است، افزود: مهم‌ترین نیاز کودکان در زمان جنگ، دریافت احساس امنیت از سوی والدین است. وی اظهار کرد: کودکان در مواجهه با صداها یا اخبار مربوط به جنگ، معمولاً دچار ترس، سردرگمی و نگرانی می‌شوند و این وضعیت می‌تواند به‌صورت بی‌قراری، چسبیدن به والدین، کابوس یا تغییر الگوی خواب و خوراک

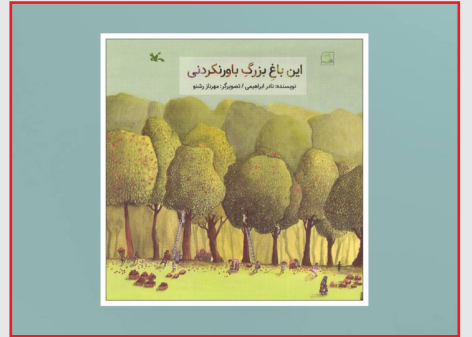
## این ایرانِ بزرگِ باورنکردنی

در بخشی از متن کتاب «این باغ بزرگِ باورنکردنی» می‌خوانیم:  
... حالا از شماری یک شروع می‌کنیم. هرکس، اسم دوتا میوه را که مال ایران است - یعنی در ایران کاشته می‌شود و چیده می‌شود - بگوید. تو!  
-انگور و توت.  
-عجب ناقلایی هستی! دُرُست همان دوتایی را گفتی که قبلاً گفته بودیم... خوب! تو!  
-آناز و... سیب.  
-آفرین! شد چهارتا. هرکس که اسم دوتا میوه را بگوید، یک جایزه‌ی کوچکِ کوچکِ خوش‌مزه پیش من دارد. حالا تو!  
-کلابی و هلو.  
-آفرین! شد شش‌تا. بگذارید همین حالا بگویم. در دنیا هیچ کشوری به اندازه‌ی ما، یعنی کشور ما ایران، میوه‌های متنوع ندارد. یعنی نوع میوه‌های ما بیشتر از همه‌جاست. اگر گفتید چرا؟  
-خودم می‌گویم، خودم می‌گویم، جایزه را هم خودم می‌خورم. برای اینکه درخت‌ها و بوته‌های بعضی از میوه‌ها فقط در جاهای گرم به عمل می‌آیند و بعضی‌ها در جاهای سرد، و بعضی‌ها در جاهای ملایم (یعنی نه سرد و نه گرم). مهر

جذاب و شنیدنی. این‌بار اما خیرهایی درباره میوه‌ها دارد که با سوالات بی‌دری از بچه‌ها می‌خواهد که اطلاعاتشان درباره میوه‌ها را به او بگویند. اینکه چه میوه‌هایی داریم و چه میوه‌هایی در ایران هست و چندتنوع هستند؟ عموم‌هربان طی گپ‌وگفتی که با بچه‌ها دارد میوه‌های موجود در ایران‌زمین را به آن‌ها معرفی می‌کند و اطلاعاتی درباره‌شان به آن‌ها می‌دهد. مثل کاری که خود نادر ابراهیمی می‌کند و در صفحاتی از کتاب درصورتی که کلمه‌ای برای مخاطب کتاب که کودک است جدید باشد، در پاروئی معنایش را توضیح می‌دهد تا کودک متوجه آن کلمه شود و بر دایره کلماتش اضافه شود.  
کتاب «این باغ بزرگِ باورنکردنی» از زنده‌یاد نادر ابراهیمی برای کودکان نوشته است و انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ۲۴ صفحه‌مصور رنگی برای کودکان بالای ۹ سال منتشر کرده است. این اثر خواندنی و البته دیدنی که پر از تصاویر زیبا، رنگارنگ و مرتبط با محتوای کتاب است، تلاش می‌کند بخشی از داشته‌های ایران‌زمین، این میهن عزیزمان را به کودکان نشان دهد؛ کاری که به نظر می‌رسد از امروز به بعد باید آن را با توانی صدبرابر از گذشته و با خلاقیتی بیشتر و بیشتر برای کودکان امروز ایران‌مان انجام دهیم.

آمریکا که دشمنان ایران‌زمین هستند. خیلی از ما ایرانیان داخل و خارج از کشور از احداث این پل بزرگ و زیبا و افتخارآمیز خبر نداشتیم و نمی‌دانستیم مهندسان ایرانی داشتند چه کار بزرگی انجام می‌دادند و قطعاً بچه‌ها نیز اطلاعی نداشتند. نادر ابراهیمی می‌گوید باید ایران عزیز را به بچه‌ها بشناسانیم؛ به‌درستی و به شیرینی و به خوشی. او در این‌باره مجموعه‌ای نوشته است با عنوان «ایران را عزیز بدانیم» که نام یکی از کتاب‌های آن «این باغ بزرگِ باورنکردنی» است. این کتاب را مه‌رز رشنو تصویرگری کرده و انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر کرده است. اما محتوای این کتاب درباره چیست؟  
داستان این اثر ما را با یک عمومی مهربان ایران‌شناس آشنا می‌کند که کودک راوی داستان از شغل او که ایران‌شناسی است متعجب است و می‌گوید: «من عمومی دارم که شغل عجیبی دارد. به او می‌گویند ایران‌شناس. او درباره میهن ما - ایران- چیزهایی می‌داند که هیچ‌کس نمی‌داند.» کودک قصه در ادامه از این عموم‌هربان بیشتر برآیمان می‌گوید که چه ویژگی‌هایی دارد و چرا بچه‌های خانوادۀ او را خیلی دوست دارند و چرا او دیر به دیر پیش آن‌ها می‌آید.  
عمومی ایران‌شناس هر دفعه که از سفر برمی‌گردد برای بچه‌ها خیرها و شعرها و قصه‌هایی از ایران دارد؛ تازه،

کار برای ایران را توصیه می‌کند؛ کاری که ایران را تقویت کند، بزرگ‌تر کند، پیشرفته و توسعه‌یافته کند. او از جوانان و بزرگسالان توقع دارد به‌خاطر ایران با هر فکر و عمل آسیب‌ننده‌ای مبارزه کنند و از بچه‌ها نیز می‌خواهد که ایران را کشورشان را خوب بشناسند و دوست داشته باشند و با عشق به آن بزرگ شوند.  
حیف است در این مطلب بخشی از حرف‌های خود نادر ابراهیمی را که در مقدمه کتاب «این باغ بزرگِ باورنکردنی» آمده است، نیاوریم. این کتاب را قرار است در این مطلب معرفی کنیم؛ پس ابتدا به مقدمه‌اش که بسیار خواندنی است، اشاره می‌کنیم. زنده‌یاد ابراهیمی در این مقدمه، اولیاء و مریمان را مخاطب خود قرار داده است و می‌گوید: «اگر بخواهیم که بچه‌های ما از سربلندی ایرانی‌بودن و در ایران‌زیستن و در خدمت مردم ایران‌زمین بودن، سهمی داشته باشند، باید کاری کنیم ایران-این سرزمین ملکوتی- را بشناسند؛ به‌درستی، به شیرینی، به خوشی، بدون فشار و اجبار و تحکم.» او در انتهای این مقدمه نیز می‌گوید: «کاری کنیم که بچه‌های ما، دست‌کم بدانند که در این باغ بزرگ زیبای باشکوه - که میهن ماست- همه‌چیز هست، و بهترین چیزها هم هست...» که این حرف‌ها را انگار زنده‌یاد ابراهیمی همین دیروز نوشته است؛ مثلاً بعد از حمله به پل 1B کرج توسط اسرائیل و



طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر  
زنده‌یاد نادر ابراهیمی در کتاب «این باغ بزرگِ باورنکردنی» از بچه‌ها می‌خواهد که ایران را، این سرزمین ملکوتی و عزیز و سربلند را خوب بشناسند و دوست داشته باشند و با عشق به آن بزرگ شوند.  
نادر ابراهیمی، نویسنده و بهتر است بگویم مبارز-نویسنده‌ای است که دنیای خود و نام و نشان خود را با وطنش ایران گره زده است؛ مانند هر ایرانی اصیل دیگری، مانند هر ایران‌دوست واقعی. از تمام حرف‌های صوتی، ویدیویی و مکتوب او می‌توان این عشق‌ضوری را دریافت کرد. خودش می‌گوید که عشق به وطن ضرورت است؛ ضرورتی که این روزها ایران‌دوستان واقعی دارند آن را در خیابان‌های کشور به تصویر می‌کشند.  
زنده‌یاد نادر ابراهیمی در سراسر آثاری که برای بچه‌ها و بزرگ‌تراها تهیه و تألیف کرده است، مستقیم و غیرمستقیم

| مفقودی   | روزنامه طرح نو |
|--|----------------|
| برگ سبز خودروی سواری وانت پیکان مدل ۱۳۸۶ تیپ: ۱۶۰۰OHV نوع سوخت: بنزین- گاز سی ان جی رنگ: سفید روغنی و شماره شاسی: ۳۱۶۱۰۸۳۱ شماره موتور: ۱۱۴۸۶۰۰۴۵۹۱ و شماره پلاک: ایران ۳۵-۲۸۸۱۵ به نام آقای بهنام بشیری باویل با شماره ملی ۱۷۰۰۰۲۶۲۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. |                |

| مفقودی   | روزنامه طرح نو |
|--|----------------|
| برگ سبز یک دستگاه سواری نقیله موتور سیکلت به سال ساخت ۱۳۹۸ شماره موتور ۰۳۱۶۶ ۰۵۰۳۱۶۳ شماره شاسی ۰۱۴۰۰۱۰۱۴۰۰ N۲CT۲GF۰۰KMH شماره پلاک انتظامی ایران ۳۵-۲۵۹۳۱ بنام آقای مازیار بهنام قلعه کنده فرزند پاپندور به شماره ملی ۵۱۹۰۳۲۶۵۱ مفقود واز درجه اعتبار ساقط می باشد. |                |

| مفقودی  | روزنامه طرح نو |
|---|----------------|
| برگ سبز یک دستگاه سواری ساید به سال ساخت ۱۳۹۱ به شماره موتور ۴۷۷۶۴۳ شماره شاسی ۰۴۹۰۶۰۱۲ NAS۴۱۱۱۰۰۴۹۰۶۱۲ و شماره پلاک انتظامی ایران ۲۵-۹۸۲۲۶ بنام آقای رشید بهروز پاشو فرزند بختیار به شماره ملی ۵۱۹۷۹۷۹۱۹۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط شده است. |                |

| مفقودی   | روزنامه طرح نو |
|--|----------------|
| برگ سبز یک دستگاه سواری ساید به سال ساخت ۱۳۸۱ به شماره موتور ۱۲۵۸۸۰۶۴۹۰ شماره شاسی ۱۲۵۸۸۰۶۴۹۰ NAS۴۱۱۱۰۰۱۲۵۸۸۰۶۴۹۰ و شماره پلاک انتظامی ایران ۱۱۲-۳۲۱۷۳ بنام آقای سعید عبادی فرزند اکبر به شماره ملی ۰۰۱۶۹۳۸۳۵۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد |                |

| مفقودی  | روزنامه طرح نو |
|---|----------------|
| برگ سبز یک دستگاه سواری ساید به سال ساخت ۱۳۹۱ به شماره موتور ۴۷۷۶۴۳ شماره شاسی ۰۴۹۰۶۰۱۲ NAS۴۱۱۱۰۰۴۹۰۶۱۲ و شماره پلاک انتظامی ایران ۲۵-۹۸۲۲۶ بنام آقای رشید بهروز پاشو فرزند بختیار به شماره ملی ۵۱۹۷۹۷۹۱۹۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط شده است. |                |

| شناسه آگهی:                              | م الف:                                   | روزنامه طرح نو   |
|--|--|--|
| ۲۱۴۷۳۴۵                                  | ۲۱۴۷۳۴۵                                  | پلاک ۷۹۸ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲ اصلی واقع در ملایوسف خریداری از مالکین مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. |
| <b>تاریخ انتشار نوبت اول:</b> ۱۴۰۵/۰۱/۱۷ | <b>تاریخ انتشار نوبت دوم:</b> ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ | <b>احد فعال</b><br><b>رئیس ثبت اسناد و املاک مرند</b>  |

| شناسه آگهی:  | م الف:                                   | روزنامه طرح نو  |
|--|--|---|
| ۲۱۴۷۳۴۸  | ۲۱۴۷۳۴۸                                  | شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۵۰۰۰۶۵ تاریخ: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵   |
| <b>هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)</b> |  | برگ سبز یک دستگاه سواری ساید به سال ساخت ۱۳۹۱ به شماره موتور ۴۷۷۶۴۳ شماره شاسی ۰۴۹۰۶۰۱۲ NAS۴۱۱۱۰۰۴۹۰۶۱۲ و شماره پلاک انتظامی ایران ۲۵-۹۸۲۲۶ بنام آقای رشید بهروز پاشو فرزند بختیار به شماره ملی ۵۱۹۷۹۷۹۱۹۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط شده است. |
| <b>تاریخ انتشار نوبت اول:</b> ۱۴۰۵/۰۱/۱۷   | <b>تاریخ انتشار نوبت دوم:</b> ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ | <b>احد فعال</b><br><b>رئیس ثبت اسناد و املاک مرند</b>   |

| مفقودی  | روزنامه طرح نو |
|---|----------------|
| برگ سبز موتورسیکلت متین تیپ 150cc مدل ۱۳۹۶ به رنگ قرمز شماره موتور 0149NDR112356 شماره تنه NDRACXKCEHAB0083 و شماره پلاک ۹۵۳۶۲/۳۹۷ به مالکیت آقای مهرداد پیرمحمدی با شماره ملی ۱۶۴۰۱۴۷۰۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. |                |

| مفقودی  | روزنامه طرح نو |
|---|----------------|
| برگ سبز و کارت خودرو سواری پژو تیپ ۲۰۷ مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید شماره موتور ۳۳۸۹۰۳۷۲۷۴ شماره شاسی ۳۳۸۹۰۳۷۲۷۴ NAAAR۰۳۳۸۹۰۳۷۲۷۴ و شماره پلاک ۵ ایران ۸۱۸ ب ۹۱ به مالکیت آقای امیر حسین نظاری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. |                |

| مفقودی   | روزنامه طرح نو |
|--|----------------|
| اصل سند کارخانه کامیون کشنده ولوو مدل ۱۳۸۱ شماره انتظامی ۳۵-۴۷۹ ع ۲۱ شماره موتور ۲۷۱۲۸۱ و شماره شاسی ۲۸۳۱۴۱۰ بنام آقای فریدون نادری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. |                |

| مفقودی  | روزنامه طرح نو |
|---|----------------|
| یک فقره چک متعلق به ابنتحانب صمد یاری نزد بانک ملت شعبه فردوسی تبریز به شماره 0026540045 به مبلغ ۱,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد . |                |

| مفقودی   | روزنامه طرح نو |
|--|----------------|
| گواهی فتوگرافی به شماره ۲۵۲۳۳۰ تاریخ انقضای ۲۰۲۶/۸/۵ متعلق به کامیون به شماره انتظامی ۳۵-۳۱۸ ع ۵۲ و پلاک ترانزیت ۹۵ AH۳۰۳/۴ تحت پوشش شرکت حمل و نقل بین المللی ماهوکیان سبلان مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. |                |

| شناسه آگهی:                     | م الف:  | روزنامه طرح نو  |
|---------------------------------|---------|---|
| ۲۱۴۷۶۰۹                         | ۲۱۴۷۶۰۹ | شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۱۷۰۰۰۰۰۴۰ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹   |
| <b>آگهی فقدان سند مالکیت</b>    |         | صدر سند مالکیت المثنی نموده است. مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود. هرکس ادعائی نسبت به وجود ورقه مالکیت یا انجام هرگونه معامله را نزد خود دارد، می‌تواند اعتراض خود را کتبا به مدت ده روز پس از انتشار آگهی به اداره ثبت منطقه جنوب تبریز تسلیم نماید بدیهی است پس از انقضای مدت قانونی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد و به اعتراضات وارده در خارج از مدت ترتیب اثر داده نخواهد شد. |
| <b>تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۷</b> |         | <b>سراج رفیعیان</b><br><b>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه جنوب تبریز</b>   |

| شناسه آگهی:  | م الف:                                   | روزنامه طرح نو   |
|--|--|--|
| ۲۱۴۷۳۵۱  | ۲۱۴۷۳۵۱                                  | شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۵۰۰۰۰۶۴ تاریخ: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵   |
| <b>هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)</b> |  | پلاک ۲ اصلی واقع در ملایوسف بخش ۱۵ تبریز خریداری از مالکین مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. |
| <b>تاریخ انتشار نوبت اول:</b> ۱۴۰۵/۰۱/۱۷   | <b>تاریخ انتشار نوبت دوم:</b> ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ | <b>احد فعال</b><br><b>رئیس ثبت اسناد و املاک مرند</b>  |

# روایت انسجام ملی ایرانی‌ها از دل تاریخ

## بختیاری‌ها کنار آذربایجانی‌ها در چالدران



امتداد هم قرار دارند. برای او، این حکایت‌ها تنها قصه‌های افتخارآمیز نیستند؛ بخشی از مأموریت تربیتی او هستند. او با گفتن سرگذشت هر یک از اجداد، تکرار می‌کند: «وطن و هم‌وطن و آب و خاکت ریشه تو هستن؛ اگر تو رهایشان کنی، دشمن بر آنها غلبه می‌کند.»

این آموزه، جوهره نگرش ملی بسیاری از جوامع محلی در ایران است؛ با این عنوان که بقای هویت، نه یک شعار سیاسی بلکه یک مسئولیت اخلاقی است.

### هویت؛ سرمایه‌ای که باید حفظ شود

آنچه در پایان روایت می‌درخشد، تضاد میان یک پیرمرد ساده روستایی و ساختارهای پیچیده مدیریتی کشور است. راوی می‌گوید: «این سنت یک پیرمرد ساده روستایی است که در حد توانش نمی‌گذارد تمدنش نابود شود! و بعد تعجب می‌کنم از برخی مسئولان و تصمیم‌گیران...»

این جمله، نقدی پنهان اما عمیق دارد. مردی که نه منصب دارد و نه قدرت، خود را موظف می‌داند که از میراث فرهنگی، قومی و ملی‌اش پاسداری کند. پرسش تلویحی در این انتقاد آن است که: اگر مردم عادی تا این حد خود را مسئول می‌دانند، نقش و وظیفه مسئولان چیست؟

این نکته، به بحث مهم‌تری می‌رسد. و آن این است که اگر ملتی ریشه‌های خود را بشناسد، در برابر تهدیدها مقاوم‌تر است. اما این شناخت، تنها با روایت‌های خانوادگی یا شفاهی حفظ نمی‌شود؛ نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی، آموزش رسمی و تقویت احساس تعلق ملی است.

جنگ چالدران اگرچه با شکست نظامی صفویان همراه شد، اما یک پیام بزرگ برای تاریخ ایران داشت: «وطن را مجموعه‌ای از اقوام می‌سازند، نه فقط یک حکومت.»

در آن میدان، از قلباش تا بختیاری و از ترکمان تا فارس، همه برای دفاع از ایران جنگیدند. این پیشینه، رمز ثبات و انسجام ایران در طول تاریخ بوده است. و روایت پیرمرد بختیاری نیز در همین راستا است! او نمادی است از هزاران خانواده ایرانی که ریشه‌های خود را نه برای تفاخر، بلکه برای یادآوری یک مسئولیت مشترک حفظ می‌کنند: «پایداری ایران، در گرو پایداری حافظه تاریخی مرامش است.»

گرچه او شبیه گریه پدری است که گویی همین امروز فرزندش را از دست داده. این واکنش نشان می‌دهد که چگونه پیوند نسل امروز با گذشته، هنوز در میان برخی خانواده‌ها زنده است. او بارها تکرار می‌کند: «نگذارید وطن بی‌صاحب شود! نگذارید وطن بی‌ریشه شود!»

در این جمله‌ها، هم ترس از تکرار تاریخ نهفته است و هم امید به آینده‌ای که نسل جوان همچنان پاسدار هویت و مرزهای ایران باشد.

پدر سالخورده تنها به جنگ چالدران اشاره نمی‌کند. او از اجدادی می‌گوید که در جنگ‌های صلیبی حضور داشتند، در سوریه و فلسطین امروز جنگیده‌اند و حتی در آن سرزمین‌ها ردپا و نشانی از خود برجای گذاشته‌اند.

این بخش از روایت، چه بر پایه اسناد تاریخی باشد یا نه، یک حقیقت را آشکار می‌کند و آن این است که در ذهن مردمان این سرزمین، تاریخ یک رشته‌ی گسسته نیست. گذشته، حال و آینده در

بغض ۹۰ ساله مرد بختیاری می‌شکند. از نگاه او، این بخش از تاریخ، یک خاطره خانوادگی نیست؛ بخشی از هویت مقدس اوست.

پدر می‌گوید که عنوان «شیخ‌الرعیابا» را شاه صفوی، به پاس خدمات عبدالله خان در دفاع از ایران و مذهب تشیع، به او اعطا کرده است. مشارکت او و طایفه‌اش در جنگ چالدران، بخش مهمی از افتخار جمعی بختیاری‌هاست. او یادآور می‌شود که جدها از فرماندهان میدان بوده، در همان نبرد به شهادت رسیده و پیکرش در بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در بخش «مقبره‌الشهدا» آرام گرفته است.

این روایت، چه از نظر تاریخی دقیق باشد یا بخشی از حافظه شفاهی قوم، یک حقیقت را روشن می‌کند و آن این است که برای بسیاری از ایرانیان، مهن‌دوستی تنها یک مفهوم سیاسی نیست، بلکه تجربه‌ای عاطفی، نسلی و عمیق است.

وقتی پدر بختیاری از «عبدالله خان» سخن می‌گوید، اشک‌هایش بی‌اختیار جاری می‌شود. راوی می‌گوید:

طرح نو؛ سردبیر

جنگ چالدران، در تاریخ ایران، تنها یک نبرد نظامی نیست؛ رویدادی است که در آن پس از قرن‌ها فروپاشی ساختارهای حکومتی، یک دولت ملی ایرانی به‌نام صفوی، با همه توان نوپای خود در برابر امپراتوری عظیم عثمانی که یکی از مجهزترین قدرت‌های نظامی عصر خود بود، ایستاد. چالدران، میدان برخورد دو جهان‌بینی سیاسی و مذهبی بود، اما فراتر از همه، صحنه نمایش ریشه‌داری ملت ایران در قالب انسجام ملی و نقش‌آفرینی اقوام مختلف این سرزمین در پاسداری از وطن بود.

در میان قومیت‌هایی که در این جنگ تاریخی حضور داشتند، لرهای بختیاری جایگاهی ویژه دارند. روایت‌های مکتوب و شفاهی متعددی در مناطق بختیاری‌نشین وجود دارد که از مشارکت طایفه‌های جنگاور این قوم در یاری شاه اسماعیل سخن می‌گوید. روایت زیر، که یکی از بختیاری‌ها آن را از پدر ۹۰ ساله‌اش نقل می‌کند، تنها یک داستان خانوادگی نیست؛ بلکه نمونه‌ای زنده از پیوند عمیق حافظه تاریخی، هویت قومی و مفهوم وطن‌دوستی ایرانی است؛

### از دل کوه‌های بختیاری تا میدان چالدران

راوی می‌گوید: «هر بار که به دیدار پدرم می‌روم، نخستین سخنش این است: نام اجدادت را بگو.» این درخواست ساده، در ظاهر یادآوری یک نسب‌نامه خانوادگی است، اما در لایه‌های زیرین، حامل یک پیام عمیق تاریخی است: «مردمی که ریشه‌شان را ندانند، در برابر دشمن آسیب‌پذیر می‌شوند.»

پدر سالخورده می‌داند که شناخت ریشه، تنها یک سنت خانوادگی نیست؛ بخشی از سازوکار بقای فرهنگی یک قوم است. او نگران «روزگاری» است که نسل جوان ممکن است از پشتوانه هویتی خود جدا شود و این گسست، همان خلأیی است که هر دشمنی برای نفوذ بدان نیاز دارد. برای همین، حتی نوها را نیز موظف می‌کند که اسامی اجدادشان را از حفظ بگویند.

این تأکید، بازتابی از یک نگرش عمیق‌تر است: هویت بزرگ‌ترین دارایی یک ملت است و بزرگ‌ترین هدف مهاجمان، بی‌هویت‌سازی آن ملت!

در میان فهرست بلند نام نیاکان، هنگامی که راوی به نام «عبدالله خان شیخ‌الرعیابا» می‌رسد، پدر سخنش قطع می‌شود. این نقطه، همان جایی است که

طرح نو؛ گروه سیاست

## ایران استاد بلامنازع «جنگ فرسایشی»

دکتر ارهان افیونجو (مورخ و رئیس دانشگاه دفاع ملی ترکیه):

پروفسور ارهان افیونجو، مورخ برجسته و رئیس دانشگاه دفاع ملی ترکیه، در برنامه «چه خبر است؟» در شبکه CNN Türk، با بررسی تاریخ جنگ‌های ایران، به تحلیل تقابل نظامی کنونی آمریکا و اسرائیل با این کشور پرداخت و با اشاره به ویژگی‌های جغرافیایی و استراتژی‌های تاریخی ایران، ایده عملیات زمینی یا اشغال جزایر ایرانی را غیرممکن و محکوم به شکست خواند.

افیونجو با اشاره به پیشینه تاریخی ایران گفت: «هویت ایرانی دارای یک بخش جدی و دارای فرهنگ بسیار قدرتمند و ریشه‌دار است که با تلفیق با تشیع، یک هویت ملی جدید را شکل داده است. فرهنگ ریشه‌دار دولتی در ایران به گونه‌ای است که حتی با تغییر قومیت حاکمان یا نظام سیاسی (مثل انقلاب ۱۹۷۹)، درک و رویکرد کلان‌کشورداری در آن ثابت می‌ماند.»

این مورخ با بررسی جنگ‌های عثمانی و ایران افزود: «امپراتوری عثمانی یکی از دولت‌هایی بود که جدی‌ترین جنگ‌ها را با ایران داشت. هدف اولیه این نبردها کنترل جاده ابریشم، تسلط بر آناتولی شرقی و میراث آق‌قویونلوها بود که بعدها رنگ و بوی مذهبی نیز گرفت. عثمانی‌ها بارها ایران را در نبردها شکست دادند؛ به طوری که شهر تبریز ۹ بار به دست ارتش عثمانی (در دوره یاوز سلطان سلیم، سلطان سلیمان قانونی و...) فتح شد، اما آن‌ها هرگز نتوانستند آن را برای مدت طولانی حفظ کنند. دلیل این امر، از بین رفتن خطوط تدارکاتی و مقاومت مذهبی و سرسختانه مردم منطقه در برابر حاکمیت عثمانی بود.»

افیونجو با تأکید بر استراتژی نظامی تاریخی ایران تصریح کرد: «پس از نبرد چالدران، صفویان (درست مانند اروپایی‌ها پس از نبرد موهاچ) دریافته‌اند که رویارویی در یک نبرد کلاسیک و میدانی با ارتش عثمانی به معنای شکست قطعی است. از این رو، ایران استراتژی «جنگ فرسایشی» را در پیش گرفت. آن‌ها ارتش دشمن را به عمق خاک خود می‌کشاندند، با عقب‌نشینی تاکتیکی خطوط تدارکاتی دشمن را طولانی می‌کردند، مناطق مسکونی را می‌سوزاندند، چاه‌های آب را کور یا مسموم می‌کردند و احشام را از بین می‌بردند تا ارتش مهاجم را از نظر لجستیکی زمین‌گیر کنند.»

وی در ادامه گفت: «مهم‌ترین ابزار ایران در طول تاریخ، استفاده‌ی هوشمندانه از «جغرافیا» بوده است. جغرافیای ایران بسیار سخت و کوهستانی است. به همین دلیل، عثمانی‌ها که نتوانستند کشورهایی مانند مجارستان و صربستان را ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال در دست نگه دارند و به راحتی اداره کنند، هرگز نتوانستند در فتوحات خود در خاک ایران ماندگار شوند و این جغرافیا همواره ارتش عثمانی را فرسوده می‌کرد.»

رئیس دانشگاه دفاع ملی ترکیه در پایان، با تطبیق این تاریخچه با تهدیدات امروز آمریکا علیه ایران تأکید کرد: «ایران در طول تاریخ همواره از این جغرافیا و استراتژی در برابر مهاجمان استفاده کرده است. اکنون آیا آمریکا وارد جنگ زمینی خواهد شد؟ آنچه من می‌بینم این است که انجام یک عملیات زمینی در ایران با ۳ هزار یا ۵ هزار سرباز کاملاً غیرممکن است. منطقه‌ای مانند جزیره خارک در اعمق خلیج فارس قرار دارد. حتی اگر آمریکا عملیات هلی‌برن انجام دهد یا تکنداران دریایی‌اش جزیره را اشغال کنند، بعد از آن چه خواهد شد؟ جغرافیای ایران و استراتژی فرسایشی آن، هرگونه اشغالگری را به یک باتلاق بی‌نتیجه تبدیل خواهد کرد.»

صبح از گل‌گاه گنجشک می‌آید

## «آواز» پس از «آوار»



تا مغز استخوان بکتانند و می‌تکانند... اما بعدش؟ بعدش فرمان زندگی از دست نمی‌رود. عجیب‌تر اینکه درست پس از لحظاتی که همه‌چیز را در تاریکی و دود فرو می‌برد، درست وقتی خاکستر هنوز روی هوا نشسته و دیوارها هنوز نکان‌هایشان را فراموش نکرده‌اند، یک صدا از گوشه‌ی شاخه‌های همان درخت آشنا بلند می‌شود.

جیک... جیک‌جیک... گویی کسی دارد آسمان را دوباره روشن می‌کند. این‌بار اما تأثیر آن چند برابر است. این صدا در دل هیاهوی جهان، در میان صداهایی که آدم را از پا درمی‌آورند، ناگهان مثل یک معجزه‌ی کوچک از پس

پرده بیرون می‌آید. گنجشک‌ها این موجودات ریز و بی‌پروا کاری می‌کنند که هیچ پند و نصیحت و تحلیل و منطق و استدلالی نمی‌تواند. دل را به ادامه‌ی زندگی مطمئن می‌کنند.

چطور ممکن است؟ چطور ممکن است دنیا در آستانه‌ی فروپاشی باشد، اما این‌ها همچنان بیابند بالای شاخه‌ی درخت و آوازشان را از سر بگیرند؟ چطور ممکن است ما زیر بار نگرانی خم شویم، اما آن‌ها هر روز مثل اولین روز آفرینش، با صدایی تازه و نو، جهان را شروع کنند؟

شاید جوابش ساده باشد. گنجشک‌ها فقط می‌دانند باید زندگی کنند. برای‌شان نه دیروز نه فردا مهم است. آن‌ها فقط امروز را می‌فهمند. همین لحظه را؛ همین دمی را که روی شاخه ایستاده‌اند و شاید ما انسان‌ها، در میان پیچیدگی‌های خودساخته، همین ساده‌ترین درس‌ها را فراموش کرده‌ایم.

وقتی بعد از صدای انفجار، نخستین جیک‌جیک را می‌شنوم، یک حس عمیق درونم شکل می‌گیرد؛ حسی شبیه معجزه‌ی ظرفی؛ انگار جهان دارد پیامی پنهان را ارسال می‌کند. بین... هنوز می‌شود ادامه داد. هنوز نفس هست، هنوز راهی هست. هنوز امید زنده است.

احساس می‌کنم آن‌ها بی‌آنکه بدانند، نگاهبانان کوچک روح ما هستند. چیزی در صدای‌شان هست که مستقیم با قلب؛ نه از راه منطق، نه از راه تحلیل، نه از راه زبان حرف می‌زند. صدای‌شان انگار یک یادآوری لطیف است از اینکه زندگی از دل تاریکی هم جوانه می‌زند. درست مثل دانه‌ای که از دل خاک سخت بیرون می‌آید، یا مثل نوری که از لای پرده‌ی ضخیم عبور می‌کند.

گاهی فکر می‌کنم اگر روزی صدای‌شان نباشد، چه می‌شود؟ جهان جقدر خاموش می‌شود؟ انسان درونی

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر

گاهی صداهایی هستند که فقط شنیده نمی‌شوند؛ روی روح آدم می‌نشینند، آرام می‌کنند، مرهم می‌شوند و مثل دستی نامرئی گردوغبار خستگی را از دل آدم کنار می‌زنند. برای من، این صدا همان جیک‌جیک گنجشک‌هایی است که از حیاط خانه بالا می‌آیند، شاد، بی‌پروا، ره‌ا؛ انگار نه انگار که پشت پنجره‌ی این جهان، هر روز چیزی فرو می‌ریزد، می‌لرزد، یا به هم می‌پیچد. صدای‌شان فقط نوای پرند نیست؛ انگار یک قول کوچک است. قولی که می‌گوید: زندگی هنوز اینجااست... هنوز دارد، ادامه می‌دهد... هنوز تمام نشده است.

صبح‌ها با همین صدا از خواب بیدار می‌شوم. چشم‌هایم را آرام باز می‌کنم و قبل از اینکه نور از لای پرده روی صورتم بلغزد، صدای‌شان مثل نسیمی نرم به جانم می‌وزد. جیک‌جیک‌های پی‌درپی، کوتاه و بلند، انگار یک مکالمه‌ی کوچک است بین چند موجود سبک‌بال که در این دنیا نه حساب بانکی دارند، نه نگرانی‌های پیچیده‌ی آ‌ده‌زیادی، نه فهمی از آنچه ما بحران یا اضطراب یا آینده مهم می‌نامیم.

و همان‌جا، روی بالش، پیش از اینکه حتی پای‌های زمین را لمس کنند، آرامشی نرم از ته قلبم بلند می‌شود. آرامشی که هیچ منشأ منطقی ندارد، اما واقعی‌ترین چیزی است که می‌توان حس کرد.

جالب است که یک روزهایی بود؛ سال‌هایی که همه‌چیز در سکوتی سنگین فرو رفته بود (کرونا)؛ که همین صدا نبود. یادم مانده روزهایی را که پشت پنجره می‌ایستادم، بیرون را نگاه می‌کردم، هوا ساکت بود اما نه از آن سکوت خوب؛ از آن سکوت‌هایی که انگار جهان در آن نفسش را حبس کرده. پرنده‌ها کم شده بودند، یا شاید ما چنان درگیر ترس‌ها و نگرانی‌ها بودیم که توان

آذربایجان غربی؛ مهد گردشگری، رنگین کمان اقوام، ادیان و مذاهب

## ارومیه؛ شهر دروازه‌های کهن



ایلدگر» چندان آباد نبود

مهدی القدم را به جناب آقا سید محسن و دروازه عسگرخان را به میرزا حسین آقا مجتهد واگذاشت. در این محل محمدرضاخان سرتیپ توپخانه و شیخعلی خان سرتیپ ماکوئی هم با میرزا حسن آقا همراهی و هماهنگی داشتند.

مدافع دروازه بالو حاج سید آقا پیشنماز و دروازه توپراق قلعه جناب حاجی قاضی و امام جمعه و عبدالعلی خان و محمدقلی خان یاور بودند و در دروازه هزاران آقا سید آقا پیشنماز و در دروازه بازارباش جناب صدرالعلما و آقا میرزا سميع و حاج نایب الصدر و صادق خان سرتیپ توپخانه، رهبری اهالی را در دفاع از زادگاه خویش عهده دار شدند.

حاج رحیم خان و حاج شیخعلی خان و حبیب الهه خان سرتیپ نیز به همراهی منوچهرخان و سایر اولاد حسینقلی خان بیگلربیگی در برج و بارو و سنگر دروازه ارک به دفاع نشستند.

«ابراهم ولتاین ویلیامز جکسن» استاد دانشگاه کلمبیا آمریکا نیز که در سال ۱۹۰۳ م برابر با ۱۲۸۲ یا ۱۲۸۳ شمسی یعنی ۱۰۸ سال پیش به ایران سفر کرده، در سفرنامه خود شرح قابل توجهی نیز درباره ارومیه آورده است چنان که می گوید: «وقتی که می خواستیم از سوی شمال داخل شهر شویم، در جایی نزدیک دروازه «بالو» از یک قطار شتر عکس گرفتیم در پیرامون ارومیه بارویی به شعاع پنج کیلومتر کشیده اند که دارای هفت دروازه و خندقهایی است که در جاهایی که بیشتر ممکن است در معرض هجوم قرار گیرد، کنده اند.»

### ارومیه از دیرباز دارای حصار بوده است

از گزارش‌های آورده شده در می یابیم که ارومیه از دیرباز دارای حصار و دروازه بوده است؛ شماره دروازه ها در قدیم ۶ و شامل دروازه های یوردشاه (کرده شهر)، هندو (عسگرخان بعدی)، بالو یا مشهد، توپراق قلعه، هزاران و بازارباش بوده که به احتمال در دوره زندیه دروازه ارک نیز به جمع آنها افزوده شده است، شمار دروازه های ارومیه به عدد هفت پایان نیافته و در اواخر دوره قاجار ایجاد دروازه نوگنجر شمار دروازه ها را به عدد هشت رسانده است.

به نوشته مرحوم محمد تمدن ساخت دروازه نوگنجر توسط اعتمادالدوله والی ارومیه در سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۵ قمری انجام گرفته است.

### نام دروازه ها بر پایه عقربه ساعت

### دروازه های کهن ارومیه

ارومیه تا پایان دوره قاجار و اوایل رژیم طاغوت پهلوی دارای هشت دروازه بوده است و نام این دروازه ها بر پایه حرکت عقربه های ساعت به ترتیب زیر است:

دروازه یوردشاه یا کرده شهر، واقع در جنب میدان انقلاب (ایالت) و به احتمال در محل ساختمان کنونی شهربانی و ساختمان جنب آن. دروازه نوگنجر واقع در پنجره، دروازه هندو یا عسگرخان واقع در مکانی به همین نام، دروازه بالو یا مشهد واقع در تقاطع کوچه فروردین یا شماره ۱۴ و کوی شهید جلالی لک نزدیک میدان شهید، دروازه توپراق قلعه واقع در جنب ساختمان اصلی آتش نشانی ارومیه «تقاطع خیابانهای مدنی و مجاهد»، دروازه هزاران واقع در بخش پایانی خیابان شهید پزشکیان نرسیده به میدان دفاع مقدس، دروازه بازارباش واقع در میدان جانبازان کنونی، دروازه ارک واقع در کوی بسنج (ارک) نرسیده به تقاطع خیابان شهید کشتگر(دانش).

### دروازه نوگنجر روایت عبورآب

دروازه نوگنجر یکی از محله‌های قدیمی ارومیه که امروزه به پنجره معروف است که در امتداد «کول استو» قرار دارد؛ نام نوگنجر از نام نهی گرفته شده است که در آن زمان با همین اسم از دروازه‌ی نوگنجر عبور کرده و داخل حصار ارومیه می‌شد.

نوگنجر به دلیل تقسیم آب به‌صورت ناودانی و کانال‌کشی بدین نام معروف شده است که از دو کلمه ترکی نو به معنی محل تقسیم و انتقال آب و گنجر به معنی محل عبور تشکیل‌شده است

محله نوگنجر در دوره قاجار در ارومیه ایجاد شد؛ این قسمت از شهر به دلیل کمبود آب از جمعیت کمتری برخوردار بود که اعتمادالدوله با اشعاع دادن نهر نوگنجر از رودخانه شهر جایی به آنجا این مشکل را حل کرد.

علی دهقان در کتاب «سرزمین زردشت» در این باره چنین می گوید: اعتمادالدوله با اشعاع دادن نهر نوگنجر از رودخانه شهر جایی به آنجا این مشکل را حل نمود.

### دروازه عسگرخان

این منطقه قدیمی شهر که یکی از دروازه های هشت گانه اورمیه بوده است، با نام یکی از سرداران رشید و وطن پرست طایفه بزرگ افشار بنام «عسگرخان» که اولین سفیر ایران در فرانسه بود، نامگذاری شده که تاکنون نیز نام اصلی خود را حفظ کرده است؛ در سال ۱۲۱۸ هجری قمری عسگرخان فرمانده لشکر ارومیه بود که در جنگ با روس ها در ایران، باکو، گنجه و نخجوان طایفه افشار و دلاوران ارومیه ای به سرکردگی عسگرخان رشادت های زیادی از خود نشان دادند و سپس در همین دروازه عسگرخان در مقابل مهاجمان و یایغان بودند که شهر را حفظ کردند.

### دروازه مهاباد

یکی دیگر از محله های قدیمی آذربایجان غربی دروازه قدیمی مهاباد است این دروازه، از قدیمی ترین دروازه های آذربایجان غربی است و تا ۸۰، ۹۰ سال قبل همین دروازه وجود داشته است.

### دروازه یوردشاه

دروازه یوردشاه محله ای به همین نام در ارومیه است که بیشتر کاربری نظامی و قدرت سیاسی در ارومیه داشت و در جنوب غربی ارومیه قرار دارد نام این محله در زمان شاه عباس صفوی به «یوردشاه» تغییر یافت.

محله یوردشاه از بزرگترین و مهم ترین محلات شهر به حساب می آمد که با احداث خیابان امام (ره) کنونی در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی به ۲ قسمت تقسیم شد. اکثریت ساکنان این محله از طبقه مرفه بودند؛ محله های نوگنجر، مهدی القدم، عسگرخان، بازارباش و محله کوچک دلگشا محله های پیرامون این محله را تشکیل می دهند.

محله بازارباش در جنوب حصار قدیم ارومیه واقع بود و از طرف شمال به بازار قدیمی و مسجد جامع ختم و از طرف شرق به محله یوردشاه و از طرف غرب به محله هزاران ارتباط داشت؛ دروازه ای به همین نام در قسمت جنوبی محله قرار داشت که میدان جانبازان کنونی تقریباً محل دروازه بوده است.

با توجه به وجود خانه های قدیمی قدمت محله باید بیش از دوره قاجار باشد و حتی امکان اینکه قدمت این محله با قدمت بازار و مسجد جامع یکی باشد، دور از انتظار نیست.

### دروازه بازارباش

دروازه بازارباش کمترین فاصله را با بازار داشته و به همین انگیزه این دروازه به «بازارباش» (سر بازار) معروف شده است.

ساکنان این محله اغلب از بازاریان، تجار، روحانیان و کشاوران تشکیل شده بود و اقلیت های مذهبی در این محله ساکن نبوده و اکثریت ساکنان آن مسلمانان شیعه بودند.

منازل این محله قدیمی و بافت کوچه ها باریک و سستی بود؛ طوری که این محله از تنها محلات قدیمی به شمار می رفت که از ساختار متعارف با ساختار محلات شهرهای ایران برخوردار بود.

### دروازه بالو

دروازه بالو و یا مشهد دروازه ای که محل رفت و آمد به شهرهای دیگر بوده و مهمتر از همه این دروازه به دروازه مشهد معروف بوده است زیرا زائران حرم امام رضا (ع) در گذشته از این دروازه راهی مشهد می شدند. چنانکه وجود مسجد چاووشان در نزدیکی این دروازه گواه روشنی براین مدعاست بدان معنا که در آن ایام هنگامی که زائران مشهد راه می افتادند، در این مسجد چاووش ها با سلام و صلوات زائران را بدرقه می کردند.

هنوز این مسجد در این محل باقی مانده و فعالیت می کند و یادگاری از آن دوران است.

### دروازه توپراق قلعه

دروازه توپراق قلعه واقع در جنب ساختمان اصلی آتش نشانی ارومیه (تقاطع خیابانهای مدنی و مجاهد) از دروازه های قدیمی ارومیه است که به زبان ترکی «توپراق قالا دروازی» نیز گفته می شود امروز روستایی به همین نام(توپراق قلعه) با تپه ای تاریخی در نزدیکی شهر از گذشته باقی مانده است.

امروز دیگر نشانی از این دروازه های کهن باقی نمانده است بلکه به مرور زمان رنگ باخته و از میان رفته و جای خود را به ساختمان‌های چندین طبقه و یا مراکز تجاری داده اند.

علاوه براین در محل و محدوده بعضی از این دروازه‌ها مسجدهی به همان نام وجود دارد که وجود دروازه در روزگاران گذشته را تداعی می کند.

ایرنا

طرح نو؛ گروه گزارش ارومیه را باید شهر دروازه‌های کهن نامید؛ دروازه‌هایی که دور تا دور شهر را فرا گرفته و به نگهداری از آن می‌پرداختند هر کدام تاریخ قطوری دارد که باید ورق زده و خوانده شوند؛ هرچند در گذر زمان تنها نام و نشانی کم‌رنگ از آنها باقی مانده است، اما روایت‌های شیرین و تلخی را در سینه خود جای داده‌اند.

ارومیه کهن شهری است که تاریخ پر فراز و نشیبی را در سینه خود جای داده و از ورای روزگاران و حوادث مختلف عبور کرده و از هر دوره ای یادگاری در دل خود دارد؛ تاریخ زیبای آن حکایت های بی شماری روایت می کند و مهمتر از همه تصویری از نما و موقعیت این شهر زیبا برای خواننده ترسیم می کند.

موقعیت خاص این شهر و قرار گرفتن آن در استانی مرزی باعث شده تا در طول تاریخ برای محافظت از شهر مردمان این دیار دست به احداث دروازه هایی بزنند و برای هرکدام از این بناها به موقعیتش نامی انتخاب شود؛ روزگاری ۶ سپس هفت و بعد تعداد دروازه ها به هشت رسیده است.

این دروازه ها دور تا دور شهر را احاطه کرده و امنیت و آسایش را برای مردم شهر به ارمغان می آوردند؛ آنها مقررات خاص خود را داشته و براساس آن عمل می کردند.

تاریخ نویسان در تعریف و توصیف ارومیه و دروازه های آن سخن ها گفته و نوشته اند و جهانگردان با گذر از این شهر و اقامت در آن از دروازه ها و برج و باروهایش حکایت ها روایت کرده‌اند.

### ارومیه؛ شهری سخت کهنسال

درباره دیرینه بودن ارومیه همین بس که صاحب فتوح البلدان در نزدیک به یک هزار و ۲۰۰ سال پیش آن را شهری «سخت کهنسال» معرفی می کند؛ احمدبن یحیی البلاذری متوفی به سال ۲۷۹ قمری درباره ارومیه چنین آورده است: «و اما ارومیه، شهری است سخت کهنسال، موجوسان پندارند که بزرگ ایشان زرتشت از آن جا ظهور کرده است و «صدقه بن علی بن صدقه بن دینار مولای ازد» با اهل آن جنگ کرد و به درون شهر شد و بر آن چیره گشت. سپس او و برادرانش قصرهایی در آن ساختند».

اینکه ارومیه از چه زمانی دارای حصار شده، به درستی روشن نیست هر چند باور علی دهقان نویسنده کتاب «سرزمین زرتشت» بر آن است که: «برای اولین مرتبه در قرن سوم سال ۲۰۹ هجری قمری «صدقه بن علی» اطراف شهر ارومیه دیوارها کشیده و قلعه و برج و باروی محکمی ساخت و خندق عمیقی دور آن کند.»

درباره شهر و حصار و دروازه های ارومیه ابو عبدالله محمدبن احمد معروف به «بُشاری مُقدّسی» که کتاب احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم را در سال ۳۷۵ هجری قمری نگاشته چنین نوشته است «ارُمیه، زیباست و دژی آباد دارد مسجد جامعش در میان بزازان است بارو و نهی وارد»

یاقوت حموی صاحب «معجم البلدان» نیز ارومیه را چنین توصیف کرده است: «ارُمیه نام شهری زیبا و قدیمی در آذربایجان است به زعم مردم این شهر، شهر پیامبر موجوس زردشت است، در سال ۶۱۷ ق آنجا را دیدم و آن را شهری خوب با خیرات فراوان، بستانها و میوه های بسیار، هوای سالم و آبی فراوان یافته جز آنکه به سبب ناتوانی حاکم یعنی «ازبک بن پهلوان بن

طرح نو؛ گروه گزارش

بارش‌های خوب چند هفته اخیر حوضه آبریز دریاچه ارومیه در کنار اقدامات تخصصی ستاد احیا همچون لایروبی رودخانه‌ها، توجه به حق آبه دریاچه، اصلاح الگوی کشت و جلوگیری از برداشت غیر مجاز آب، سبب شده تا آب نگین فیروزه‌ای ایران به طول قابل توجهی افزایش یابد.

طبق آخرین آمار رسمی منتشر شده، تراز دریاچه ارومیه به یکهزار و ۲۷۰ متر و ۲۸ سانتی‌متر رسیده که ۷۸ سانتی‌متر بیشتر از تراز ابتدای سال آبی جاری است.

این افزایش تراز سبب شده که آب دریاچه تا زیر کشتی به گل نشسته معروف آرتمیای دریاچه ارومیه برسد و خاطره‌های شیرین نه چندان دور مردم این منطقه را زنده کند.

آب دریاچه ارومیه هم اکنون با بارش‌های اخیر به میزان ۶۶۰ کیلومتر مربع افزایش یافته و به یک هزار و ۱۴۰ کیلومتر مربع رسیده است؛



البته با بارش‌های صورت گرفته، انتظار می‌رود باشد.

تا روند افزایش تراز دریاچه ارومیه ادامه دار

کشتی آرتمیای از اواخر دهه ۸۰ شمسی به

## بازدید بیش از ۹۹۹ هزار گردشگر از جاذبه‌های گردشگری آذربایجان غربی



طرح نو؛ گروه خبر  
مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی آذربایجان غربی گفت: از ۲۵ اسفندماه ۱۴۰۴ تا ۱۳ فروردین امسال، ۹۹۹ هزار و ۱۶۵ مسافر نوروزی از جاذبه‌های گردشگری و طبیعی استان بازدید کرده‌اند. مرتضی صفری اظهار کرد: هم‌چنین در این مدت ۱۱ هزار و ۷۸۲ نفر از محوطه‌های فرهنگی و تاریخی استان بازدید داشته‌اند که در این میان بناهای مانند میراث جهانی تخت سلیمان تکاب، کاخ‌موزه باغچه جوق ماکو، مدرسه هدایت ارومیه و ... از جمله مکان‌های پر بازدید استان بوده‌اند. وی گفت: علی‌رغم شرایط جنگی، گردشگران می‌توانند از همه بناهای تاریخی سطح استان به جز موزه‌ها بازدید داشته باشند. صفری با اشاره به ۸۰۰ بازدید مرتضی صفری اظهار کرد: هم‌چنین در این مدت ۱۱ هزار و ۷۸۲ نفر از محوطه‌های فرهنگی و تاریخی استان بازدید داشته‌اند که در این میان بناهای مانند میراث جهانی تخت سلیمان تکاب، کاخ‌موزه باغچه جوق ماکو، مدرسه هدایت ارومیه و ... از جمله مکان‌های پر بازدید استان بوده‌اند. وی گفت: علی‌رغم شرایط جنگی، گردشگران می‌توانند از همه بناهای تاریخی سطح استان به جز موزه‌ها بازدید داشته باشند. صفری با اشاره به ۸۰۰ بازدید مرتضی صفری اظهار کرد: هم‌چنین در این مدت ۱۱ هزار و ۷۸۲ نفر از محوطه‌های فرهنگی و تاریخی استان بازدید داشته‌اند که در این میان بناهای مانند میراث جهانی تخت سلیمان تکاب، کاخ‌موزه باغچه جوق ماکو، مدرسه هدایت ارومیه و ... از جمله مکان‌های پر بازدید استان بوده‌اند. وی گفت: علی‌رغم شرایط جنگی، گردشگران می‌توانند از همه بناهای تاریخی سطح استان به جز موزه‌ها بازدید داشته باشند. صفری با اشاره به ۸۰۰ بازدید مرتضی صفری اظهار کرد: هم‌چنین در این مدت ۱۱ هزار و ۷۸۲ نفر از محوطه‌های فرهنگی و تاریخی استان بازدید داشته‌اند که در این میان بناهای مانند میراث جهانی تخت سلیمان تکاب، کاخ‌موزه باغچه جوق ماکو، مدرسه هدایت ارومیه و ... از جمله مکان‌های پر بازدید استان بوده‌اند. وی گفت: علی‌رغم شرایط جنگی، گردشگران می‌توانند از همه بناهای تاریخی سطح استان به جز موزه‌ها بازدید داشته باشند. صفری با اشاره به ۸۰۰ بازدید

کشتی آرتمیای از اواخر دهه ۸۰ شمسی به

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی  
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود  
مجمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲  
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱  
تلفکس: ۳۲۲۴۸۵۸۸-۰۴۴  
لیتوگرافی و چاپ: پرنیان

# طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امام هادی (ع)  
افسوسهای ناشی از کوتاهی نمودن در کار را  
به یاد آر و دوران‌دیشی را در پیش گیر

دوشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۵ - سال بیستم - شماره ۳۵۱۸

## خبر

طی چهار سال اخیر صورت گرفت؛

### سرمايه گذاري ۳ همتي شهرداري تبريز در حوزه آتش نشانی و مدیریت ایمنی



طرح نو؛ گروه شهری

مدیرعامل آتش نشانی و مدیریت ایمنی شهرداری تبریز گفت: شهرداری تبریز در چهار سال اخیر، بیش از ۳ همت در حوزه مدیریت ایمنی و آتش نشانی سرمایه گذاری کرده است.

رضا جان فشان نوبری ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای جنگ رمضان و به ویژه قائد امت امام شهید حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای گفت: این سازمان در حوزه ایمنی شهری به ویژه ایام جنگ، خدمات ایمنی را به شهروندان و آسیب دیدگان جنگ ارایه و همچنان نیز با این آمدگی به خدمات خود ادامه می دهد.

وی ادامه داد: ارایه خدمات ایمنی و آتش نشانی به شهروندان مستلزم بهره مندی از امکانات و تجهیزات لازم در این حوزه است و با پیش بینی تمهیدات شهرداری تبریز، در حال حاضر سازمان آتش نشانی از امکانات آتش نشانی بسیار خوبی در زمینه ایستگاه های آتش نشانی، لوازم و تجهیزات عملیاتی برخوردار است که بیش از سه همت در طول چهار سال اخیر در این حوزه هزینه شده است.

رضا جان فشان نوبری به دیگر برنامه ریزی و پیش بینی تامین نیروی انسانی این سازمان اشاره و افزود: آتش نشانی نیازمند بهره مندی از نیروی جوان و چابک بیشتری است. بر همین اساس افزایش جذب نیروی انسانی پس از اتمام روند استخدامی جدید، تعداد آتش نشانیان این مجموعه به ۹۰۰ نفر ارتقاء می یابد.

مدیر عامل سازمان آتش نشانی تبریز تصریح کرد: تعداد ایستگاه های این سازمان در ششمین دوره مدیریت شهری به ۳۰ ایستگاه عملیاتی در سطح شهر ارتقا یافته و امید است با ادامه این روند شاهد افزایش میزان خدمات رسانی بهینه ایمنی به شهروندان باشیم.

### شهردار تبریز خبر داد:

## مسیر گشایی ملازینال حتی در شرایط جنگی نباید تعطیل شود

طرح نو؛ گروه شهری  
شهردار تبریز از تداوم اجرای پروژه های کلان شهری خبر داد و گفت: پروژه های مسیر گشایی ملازینال و استخر شهید تجلایی برابر برنامه ریزی انجام شده و بدون تعطیلی به فعالیت خود ادامه می دهند.  
یعقوب هوشیار در بازدید از پروژه مسیر گشایی ملازینال اظهار کرد: در کنار فعالیت های عمرانی، خدماتی و همچنین اجرای طرح استقبال از بهار شهرداری

تبریز، پروژه های کلان شهر نیز همچون مسیر گشایی ملازینال و استخر شهید تجلایی حتی در شرایط جنگی کشور فعال هستند.  
وی افزود: مسیر گشایی ۲۰ متری ملازینال به طول ۶۰۰ متر دومین پروژه مسیر گشایی شهرداری تبریز در بافت ناکارآمد شهری است که با اعتبار ۵۰۰ میلیارد تومان اجرایی می شود.  
به گفته هوشیار ۴۰ ملک از این مسیر تملک شده و ۴۶ ملک دیگر توافق انجام گرفته است



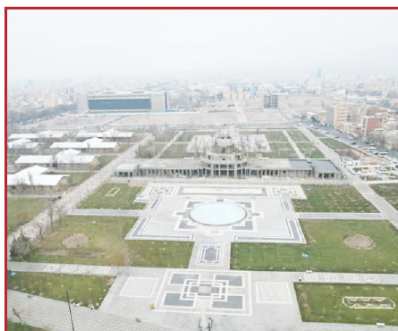
تجلایی یکی از پروژه های شاخص منطقه ۳ است که با هدف ارتقاء زیرساخت های ورزشی و فراهم آوردن فضایی مناسب برای فعالیت های ورزشی شهروندان، به ویژه جوانان و نوجوانان، در حال احداث است وی به جزئیات آخرین مراحل عملیات اجرایی اشاره کرد و افزود: در حال حاضر، همزمان با پیشرفت کلی پروژه، عملیات کاشی کاری گالری استخر و همچنین تاسیسات مجموعه نیز در حال انجام است.

## راه اندازی آبنمای مدرن پارک باغشمال طی هفته جاری

باغشمال همراهِ سال گذشته و با هدف ایجاد چشم انداز مطلوب و زیباتر این پارک آغاز شده است.  
شهردار منطقه ۳ گفت: عملیات فنی و اجرایی این آب نما شامل احداث فونداسیون، کاشی کاری های ، سیمان کاری و آب بندی دیواره، رنگ آمیزی، ایجاد نازل های آب نما، سرویس تاسیسات مکانیکی و الکترونیکی و موتور خانه خواهد بود.

توجه به تأثیر گذاری آب نماها و میدان ها در آرامش روحی و بصری شهروندان عملیات احداث آب نمای بزرگ پارک باغشمال در ۲۰۰۰ متر مربع در حال اجراست که آب نمای ضلع جنوبی عمارت تکمیل شده و طی هفته جاری آبگیری و راه اندازی می شود.  
وی با اشاره به اینکه همچنین عملیات کاشی چینی در آب نمای ضلع شمالی عمارت در حال انجام است ، افزود: طرح احداث آب نمای

طرح نو؛ گروه شهری  
شهردار منطقه ۳ تبریز از تداوم عملیات احداث آب نمای پارک باغشمال در متراژ ۲۰۰۰ متر مربع خبر داد و گفت: با هدف ایجاد چشم انداز مطلوب و زیباتر در پارک باغشمال ، عملیات احداث آب نمای این پارک در دو ضلع شمالی و جنوبی عمارت کلاه فرنگی در حال انجام است.  
آرمان امین بخش با اعلام این مطلب گفت: با



## شهری

# آذر شهر؛ شهری با پیشینه صنعتی و ریشه های تاریخی در جنوب تبریز

سبک زندگی شهری در این منطقه دچار تحولاتی شده. در عین حال بسیاری از ارزش ها و سنت های فرهنگی همچنان در میان خانواده ها و جامعه محلی حفظ شده و به نسل های بعدی منتقل می شود.

از نظر شهری، آذر شهر طی دهه های اخیر شاهد گسترش فیزیکی و توسعه زیرساخت ها بوده است. افزایش جمعیت، شهری و ایجاد فضاهای خدماتی و آموزشی از جمله تغییراتی است که در ساختار شهری این منطقه مشاهده می شود. شهرداری و نهادهای محلی نیز تلاش کرده اند با اجرای طرح های عمرانی و توسعه ای، کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهند.

### ظرفیت های توسعه در جنوب استان

یکی از مهم ترین مزیت های آذر شهر نزدیکی آن به تبریز و قرارگیری در محورهای ارتباطی مهم منطقه است. این موقعیت جغرافیایی باعث شده این شهر از ظرفیت های قابل توجهی برای توسعه برخوردار باشد. توسعه فعالیت های صنعتی، تقویت زیرساخت های حمل و نقل، حمایت از بخش کشاورزی و ایجاد فرصت های سرمایه گذاری می تواند نقش آذر شهر را در اقتصاد منطقه بیش از پیش تقویت کند.

به گزارش منابع محلی، برنامه های توسعه شهری و صنعتی در سال های اخیر با هدف استفاده بهتر از ظرفیت های منطقه در حال پیگیری است. گسترش شهرک های صنعتی، بهبود خدمات شهری، توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی و توجه به زیرساخت های اقتصادی از جمله اقداماتی است که می تواند آینده این شهر را تحت تأثیر قرار دهد.  
آذر شهر شهری است که گذشته تاریخی و ظرفیت های اقتصادی آن در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. این شهر با برخورداری از پیشینه ای کهن، موقعیت جغرافیایی مناسب و فعالیت های صنعتی و کشاورزی پویا، می تواند نقش مهم تری در توسعه جنوب استان آذربایجان شرقی ایفا کند. بهره گیری از این ظرفیت ها و برنامه ریزی اصولی برای توسعه متوازن می تواند آینده ای پایدار و رو به رشد برای آذر شهر رقم بزند.

است. کشت محصولاتی مانند گندم، جو، صیفی جات و برخی محصولات باغی در روستاها و اراضی پیرامونی شهر رایج است.

باغداری، به ویژه تولید میوه های متنوع، در معیشت بسیاری از ساکنان منطقه نقش مهمی دارد و بخشی از تولیدات کشاورزی این منطقه به شهرهای دیگر نیز ارسال می شود. ترکیب فعالیت های صنعتی و کشاورزی ساختار اقتصادی متنوعی در آذر شهر ایجاد کرده است و همین تنوع اقتصادی به پایداری معیشت خانوارها در منطقه کمک می کند.

### بافت اجتماعی و فرهنگی شهر

در حوزه اجتماعی و فرهنگی، آذر شهر دارای بافتی پویا و مبتنی بر پیوندهای خانوادگی و محلی است. روابط اجتماعی در این شهر تا حد زیادی بر پایه همبستگی های قومی، محلی و خویشاوندی شکل گرفته و همین امر به حفظ انسجام اجتماعی در جامعه شهری کمک کرده است. زبان رایج مردم ترکی آذربایجانی است و فرهنگ بومی منطقه در آیین ها، مراسم اجتماعی و شیوه های زندگی روزمره مردم به خوبی دیده می شود.

مراسم مذهبی و آیین های سنتی در آذر شهر با مشارکت گسترده شهروندان برگزار می شود. مناسبت های مذهبی مانند ماه محرم و صفر، اعیاد اسلامی و مراسم های مرتبط با فرهنگ شیعی از اهمیت ویژه ای برخوردارند و بسیاری از هیئت های مذهبی و گروه های مردمی در برگزاری این مراسم ها نقش دارند. علاوه بر این، آیین نوروز و جشن های سنتی مرتبط با آن نیز در میان مردم منطقه جایگاه مهمی دارد و به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و اجتماعی منطقه حفظ شده است.

### تحولات شهری و توسعه زیرساخت ها

ساختار اجتماعی آذر شهر علاوه بر حفظ سنت ها، در سال های اخیر با روندهای نوین شهری نیز همراه شده است. گسترش آموزش، افزایش سطح دسترسی به خدمات شهری، توسعه زیرساخت ها و رشد ارتباطات موجب شده

### جایگاه کشاورزی در اقتصاد منطقه

در کنار صنعت، بخش کشاورزی نیز همچنان یکی از ارکان اصلی اقتصاد آذر شهر محسوب می شود. خاک حاصلخیز دشت های اطراف شهر و شرایط اقلیمی مناسب زمینه مناسبی برای فعالیت های زراعی و باغداری فراهم کرده



کارگاه های تولیدی کوچک و متوسط از جمله فعالیت های اقتصادی مهم در این شهر هستند. صنعت سنگ، به ویژه سنگ های تزئینی و ساختمانی، از جایگاه ویژه ای در اقتصاد آذر شهر برخوردار است و بسیاری از واحدهای تولیدی این حوزه محصولات خود را به بازارهای داخلی و خارجی عرضه می کنند. فعالیت این صنایع علاوه بر ایجاد اشتغال مستقیم، موجب شکل گیری مشاغل وابسته در حوزه حمل و نقل، خدمات فنی و بازرگانی نیز شده است.

موقعیت ارتباطی و قرارگیری در مسیر کاروان ها به یکی از مراکز مبادلات محلی تبدیل شده بود. بازارهای محلی، کاروانسراها و فضاهای خدماتی مرتبط با تجارت در شکل گیری ساختار شهری آن نقش مهمی داشتند. این پیشینه تاریخی موجب شده آذر شهر به یکی از کانون های قدیمی استقرار انسانی در دشت های اطراف دریاچه ارومیه تبدیل شود و هویت تاریخی خاصی پیدا کند.

### اقتصاد شهری؛ از صنعت سنگ تا تولیدات محلی

از منظر اقتصادی، آذر شهر امروزه یکی از قطب های صنعتی استان آذربایجان شرقی به شمار می رود. وجود شهرک های صنعتی فعال و استقرار واحدهای تولیدی متعدد در اطراف شهر باعث شده این منطقه به یکی از مراکز مهم تولیدی در جنوب استان تبدیل شود. صنایع مرتبط با سنگ های ساختمانی، فرآوری مصالح ساختمانی، صنایع فلزی و

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر  
آذر شهر به عنوان یکی از شهرهای مهم استان آذربایجان شرقی، در جنوب غربی تبریز واقع شده و به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب، پیشینه تاریخی قابل توجه و فعالیت های گسترده صنعتی و کشاورزی، نقش مهمی در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فضایی منطقه ایفا می کند. این شهر در مسیر ارتباطی تبریز به بناب و مراغه قرار گرفته و از دیدار به عنوان یکی از نقاط مؤثر در شبکه سکونتگاهی جنوب استان شناخته شده است. قرارگیری در این مسیر ارتباطی موجب شده آذر شهر همواره از اهمیت راهبردی برخوردار باشد و در روندهای تجاری، اقتصادی و ارتباطی منطقه نقش فعالی ایفا کند.

از نظر جغرافیایی، آذر شهر در دشتی حاصلخیز در نزدیکی دریاچه ارومیه قرار دارد و همین موقعیت طبیعی در شکل گیری الگوی سکونت و فعالیت های اقتصادی آن تأثیر بسزایی داشته است. نزدیکی به مراکز مهمی همچون تبریز، مراغه و بناب باعث شده این شهر به عنوان یکی از حلقه های ارتباطی مهم میان شهرهای جنوبی استان عمل کند. دسترسی مناسب به شبکه های جاده ای و نزدیکی به مراکز صنعتی بزرگ نیز فرصت های قابل توجهی برای توسعه اقتصادی در اختیار این شهر قرار داده است.

### پیشینه تاریخی دهخوارقان

بررسی های تاریخی نشان می دهد آذر شهر، که در منابع قدیمی با نام «دهخوارقان» نیز شناخته شده، پیشینه ای کهن دارد. این نام در متون تاریخی و جغرافیایی دوره های مختلف اسلامی دیده می شود و نشان دهنده اهمیت این منطقه در گذشته است. برخی پژوهشگران معتقدند که این منطقه از دوران پیش از اسلام نیز محل سکونت انسان بوده و شواهد باستان شناسی در اطراف شهر این موضوع را تقویت می کند. وجود آثار تاریخی، تپه های باستانی و بقایای معماری قدیمی در محدوده شهری و مناطق پیرامونی آن، بیانگر تداوم زیست انسانی در این منطقه طی دوره های مختلف تاریخی است. در طول قرون گذشته، آذر شهر به دلیل